شماره
۲۳

متن کامل فرمایشات
رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)
به همراه تحلیل و اهم مطالبات

خرداد ماه ۱۳۹۳
سال اقتصاد و فرهنگ
با عزم ملی و مدیریت جهادی

بسم الله الرحمن الرحیم

رهنامه

شماره بیست وسوم

خرداد ماه

سال۱۳۹۳ (سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی)

تهیه و تدوین معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر(عجل‌الله‌فرجه)

شماره تماس:

۷۷۴۹۴۵۸-۱۲۲/۱۲۳

سایت:

v-montazar.com

پست‌الکترونیکی:

«فهرست»

مقدمه ۸

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۳/۴ ۹

مقدمه ۹

الف) توصیه های اخلاقی به مسئولان و نمایندگان مجلس؛ تبیین جایگاه مبارزه در پیروزی و بقای انقلاب اسلامی و نقش مجلس در این مبارزه ۹

۱. آنچه در اختیار ما مسئولان است امانت است، ادای این امانت واجب قطعی و شرعی است؛ دوره‌ی مسئولیّت هم گذرا است ۹

۱,۱.طول این زندگی جلوی چشم ما است: سبزه و طراوت و شادابی و آمادگی، و بعد بتدریج پختگی، و بعد بتدریج فرسودگی ۱۰

۱,۲.در مقابل محاسبه الهی هر کلمه‌ای که از ما صادر میشود، هر حرکت و اقدام ما، بلکه هر اندیشه ما ثبت و ضبط میشود؛ باید با این توجّه کار کنیم ۱۰

۱,۳.مسئولیت امانت است؛ ادای امانت هم به این است که آنچه وظیفه‌ی ما است بشناسیم و در حدّ وسع، برای آن تلاش کنیم و تا جایی که میتوانیم بدویم ۱۰

۲.نظام اسلامی با مبارزه به‌وجود آمد، بدون مبارزه این نظام تحقّق‌پذیر نبود؛ حفظ و پایداری نظام هم با مبارزه امام، مردم و مسئولان به‌وجود آمد ۱۱

۲,۱.در یک نقاطی از دنیا مثل شمال آفریقا فرصتی پدید می‌آید، لکن این فرصت را صاحبان فرصت نمیتوانند نگه‌دارند و آن را از دست میدهند ۱۱

۲,۱,۱.عین این سرنوشت میتوانست برای جمهوری اسلامی پیش بیاید؛ آنچه نگذاشت این اتّفاق بیفتد، مبارزه صمیمی و جدّی و خردمندانه بود ۱۱

۲,۱,۲.ملّت ایران در راه پیشرفت خردمندانه عمل کرد؛ واقعیّت این است که اگر خردمندانه نبود نمی شد، نمی ماند، پیش نمیرفت و به نتیجه نمی رسید ۱۱

۲,۲.عیوب و اشکالات را نباید تعمیم داد؛ آنچه قابل تعمیم است صدق، حرکت، مبارزه است؛ پس نظام با مبارزه به‌وجود آمد، با مبارزه هم باقی ماند ۱۱

۲,۳.کار من و شما ادامه آن مبارزه است، و بدون مبارزه نمیتوانید به آن هدفها دست پیداکنید ۱۲

۲,۳,۱.علّت این نیست که نظام ما یک نظام جنگ‌طلب است؛ نه، بلکه برای عبور از منطقه ای که در آنجا دزدان دریایی مستقرّند، باید مجهّز بود ۱۲

۲,۳,۲. امروز دزدان غارتگر بشر به دانش مجهّزند که آنها را آبرومند کرده است؛ البته به خاطر اینکه اخلاق ندارند براحتی جنایت می کنند ۱۲

۲,۳,۳. جنایت اینها از جنایت دزدان دریاییِ سنّتی بالاتر است؛ چون گناه بزرگ را صواب وانمود می کنند؛لذا ما چاره ای جز دفاع و مبارزه نداریم ۱۲

۲,۴.آنهایی که برای تئوریزه کردن سازش و تسلیم ، نظام را متّهم به جنگ‌طلبی یا تئوریزه کردن جنگ میکنند، دروغ میگویند و دارند خیانت میکنند ۱۲

۲,۵.در همه صحنه‌ها و در عرصه های اداره کشور، فعّالیّتهای گوناگون، سیاست‌گذاری، تقنین، مذاکرات خارجی و... باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم ۱۳

۲,۵,۱.مبارزه باید مثل یک تفکّر گسترده بر تمام فعّالیّتهای ما حاکم باشد؛ باید در مقابل قوای شیاطین عالم خود را قوی کرد و ایستاد ۱۳

۲,۵,۲. کار اساسی مجلس ادامه مبارزاتی است که به پیروزی و بقای این انقلاب منتهی شد ۱۳

۲,۵,۳. مبارزه و جهاد تمام‌نشدنی است، چون شیطان همیشه در دنیا هست؛ بلکه با موقعیّتهای مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا می کند ۱۳

ب) وظایف مجلس نسبت به مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی، برنامه ششم و مساله جمعیت ۱۴

۱. «مدیریّت جهادی» شامل مجلس در حوزه تقنین و نظارت هم می شود؛ اگر این مسئولیتها با انگیزه خدمت انجام شود بزرگ‌ترین کار جهادی است ۱۴

۲. در برنامه‌ی ششم که در پیش است، بر روی اقتصاد، فرهنگ و علم باید تکیه کنید ۱۴

۳.علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است؛ از کسانی که در بخشهای مختلف ابتکار و تحرّک دارند، دفاع میکنیم امّا علاج مشکلات در درون است ۱۴

۳,۱.مسئولین مختلف در مقام حمایت و ستایش از سیاستهای اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند؛ لکن ستایش و تعریف کافی نیست؛ حرکت و اقدام لازم است ۱۵

۳,۲. آنچه در مجلس محترم انجام گرفت مشکور است؛ دولتی‌ها هم فعّالیّتهایی کردند، منتها اقدامات در زمینه تقنین و نظارت باید قدم‌به‌قدم دنبال شود ۱۵

۳,۲,۱.در زمینه تقنین، فراهم آوردن قوانین مناسب یا حذف قوانین مزاحم و تصویب قوانین کمک کننده به بخشهای گوناگون اقتصاد مقاومتی، مهم است ۱۵

۳,۲,۲.در زمینه نظارت هم نظارت برعملکرد دولت که مجری این حرکت بزرگ و وارد در این میدان است، به عهده مجلس است ۱۵
۳,۲,۳.مجلس نمیتواند صرفاً به طرحها متّکی باشد، دولت لوایح مناسب را بیاورد؛ البتّه هیچ جا نمیتواند به جای مجلس در تصویب قوانین دخالت کند ۱۵
۳,۲,۴.کار دیگری که در وظایف نظارتی مهم است، مسئله مبارزه حقیقی با فساد است؛ نگذاریم کانونهای چرکین شکل بگیرند که علاج آنها مشکل است ۱۶
۴.در مورد برنامه‌ی ششم که نقشه‌ی راه عملی برای پنج سال آینده کشور است سه نقطه‌ی اصلی وجود دارد: ۱۶
۴,۱.تکیه بر روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلّی پیدا کند ۱۶
۴,۲.اگر ابزارهای فرهنگی به‌وجود آمد، نباید خوشحال شویم که فرهنگ پیشرفت کرده است؛ تکیه روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی و اسلامی است ۱۶
۴,۳.حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ این حرکت مطلقاً نباید کُند شود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد ۱۷
۵.یک مسئله، مسئله جمعیّت است؛ شنیدم در مجلس هم طرحی در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیّت وجود دارد؛ این بسیار مهم است ۱۷
۵,۱.منافاتی ندارد ما مراعات بهداشت و سلامت مادران و نوزادان را بکنیم، در عین حال مراقب باشیم اشتباهی را که قبلاً کردیم، ادامه ندهیم ۱۷
۵,۲.برای دشمنان ما بهترین چیز این است که ایران کشوری با بیست سی میلیون جمعیّت باشد که نصف آن هم کهن‌سال، میان‌سال و ازکارافتاده باشند ۱۷
موخره ۱۷
بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۳/۳/۶ **۲۴**
مقدمه ۲۴
۱.علّت بعثت پیامبر این است که انسانها را به فطرت انسانی برگردانَدو نعمتهای فراموش‌شده الهی را به یاد بیاورَد و خِرَدهای دفن‌شده را مبعوث کند ۲۴
۲.انسانها به برکت خِرَد میتوانند پیام پیامبران را درک کنند؛ دشواری‌های راه نورانی آنها را پشت سر بگذارند و از مفاهیم قرآن بدرستی استفاده کنند ۲۴
۲,۱.اگر جامعه اسلامی به همین یک دستور عمل کند و به کارگیری اندیشه و خِرَد را عمومی کند، عمده مشکلات جامعه‌ی اسلامی حل خواهد شد ۲۵
۲,۲. امروز در نقطه‌ای مسلمانان را قتل عام میکنند و در نقطه دیگر به نام اسلام دخترها را میدزدند ؛ چون پیام اسلام برای مسلمانان جا نیفتاده است ۲۵
۲,۲,۱.ما مسلمانها باید با میزان عقل و خِرَد خود و با راهنمایی اندیشه بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبراسلام برسیم ۲۵
۲,۲,۲.وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم و مجموعه مفاهیم قرآنی را که منظومه کامل برای زندگی انسان است درست ندیدیم، لغزش پیدا می کنیم ۲۵
۳.عمیق‌ترین و خطرناک‌ترین اختلافها، اختلافهای عقیدتی و ایمانی است؛ امروز در دنیا تحریکات عقیدتی، به‌وسیله دستهای استکباری انجام میگیرد ۲۵
۳,۱.اگر نیروی خِرَد، چراغ اندیشه و آگاهی به کار بیفتد، دست دشمن را می‌بینیم و انگیزه‌ی دشمن را می فهمیم ۲۶
۳,۲.استکبار برای اینکه به هدفهای خود برسد، مشکلات خود را بپوشاند و تضاد سیاستهای خود در منطقه را حل کند، میان مسلمانان اختلاف می اندازد ۲۶
۴.آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج می کنند، همان جاهلیّتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن به‌وجود آمد ۲۶
۴,۱. از نشانه‌های جاهلیّت اُولی، تبرّج زنانه است که امروز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدّن غربی است؛ البته با تبلیغات مدرن حقایق را می پوشانند ۲۶
۵. امروز دنیای اسلام به روی آوردن به اندیشه، تحلیل کردن درست مسائل، شناخت حقیقی جبهه دشمنان و دوستان امّت اسلامی احتیاج دارد ۲۷
۵,۱.گاهی دیده شده مجموعه‌ای از ما مسلمانها با دشمنان خود همدست شدیم برای زدن برادران خود که ناشی از نداشتن بصیرت است ۲۷
۵,۲. امروز دنیای اسلام به بصیرت، تدبّر و اندیشه و به اثاره دفائن عقول احتیاج دارد ۲۷
۶. نیاز مهمّ دیگر دنیای اسلام اتّحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، سلیقه‌ای و عقیدتی عبور کرد و امّت واحده تشکیل داد ۲۷
۶,۱. دشمنان اسلام سعی کردند بیداری اسلامی را سرکوب کنند و یک جاهایی هم سرکوب کردند؛ امّا بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست ۲۷
۶,۲.ملّت ایران در این زمینه مسئولیّتهای بزرگی داشته است که انجام داده است و بعد از این هم انجام خواهد داد ۲۸
۶,۲,۱.ملّت ما با اعتقاد به قرآن و پیام بعثت و با اتّحاد درونی و احساس دلیری در مقابل دشمن و احساس امید به وعده‌ی الهی نصرت، به پیش می رود ۲۸
۶,۲,۲.ما قدم به قدم پیش رفتیم و در آینده هم سنگرهایی را که برای ادامه مبارزه با ظلم و جهل و بی‌عدالتی لازم است، فتح می کنیم و پیش می رویم ۲۸
۶,۲,۳. امروز دولت ما تازه‌نَفَس و آماده به کار، با احساس اعتزاز به اسلام و مسلمان بودن مشغول کارند و تلاش می کنند ۲۸
۷.برسر راه زندگی مشکلات وجود دارد؛ انسانهای دارای خِرَد و تدبیر، مشکلات را به‌خاطر رسیدن به عزّت و کرامت و تقرّب الی‌الله تحمّل میکنند ۲۸
۷,۱. انسانهای بی‌خِرَد مشکلات را با ذلّت تحمّل می کنند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول کنند، ولایت شیاطین را قبول میکنند ۲۸
۷,۲.فرمولی که انسانهای بی‌خِرَد انتخاب می کنند، در قرآن کریم رسوا شده‌است؛ آنها به عزت نمی رسند و نابکاران هم از آنها سپاسگزاری نمی کنند ۲۹
۷,۳.جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز در مواجهه‌ی با دشمنان به وعده‌ی نصرت الهی مستظهر بوده و اعتماد کرده است ؛ لذا پیروز شدیم ۲۹
موخره ۲۹
بیانات در مراسم سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ۱۳۹۳/۲/۱۵ **۳۲**
مقدمه ۳۲
الف) بیان واقعیت مهم کم نشدن اشتیاق مردم کشور ما، دنیای اسلام و فراتر از آن نسبت به دانستن از امام، مسائل انقلاب اسلامی و پیشرفت های آن ۳۲
۱. ۲۵ سال از رحلت امام میگذرد، ولی اشتیاق برای دانستن از او و مسائل انقلاب اسلامی در کشور ما، دنیای اسلام و فراتر از آن کم نشده است ۳۲
۱,۱.تلاش گسترده دشمنان علیه ما ، حس کنجکاوی را در سراسر دنیا برانگیخته است؛ میخواهند بدانند علت این‌همه دشمنی و لجن‌پراکنی چیست ۳۳
۱,۲. بیداری اسلامی در منطقه‌ی ما خود نشانه‌ی این کنجکاوی و پاسخ‌گیری و پاسخ‌یابی است، و این همچنان ادامه دارد ۳۳
۱,۲,۱.دشمنان خیال می کنند توانسته‌اند بیداری اسلامی را در منطقه ما سرکوب کنند ، اما این ناشی از خطای راهبردی و غلط‌تحلیل‌کردن است ۳۳
۱,۲,۲.ممکن است بیداری اسلامی برای مدتی، در بخشی سرکوب شود؛ اما ریشه‌کن نخواهد شد؛ چون فهم جوانان مسلمان به راحتی از بین نمی رود ۳۳
۲.علت کنجکاوی درباره مردم‌سالاری دینی این است که نظام ما در برابر هجوم خشن دشمنان نه تنها از بین نرفت، بلکه روزبه روز پیشرفت کرد ۳۴
۲,۱.جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف ، اقتدار و قابلیت بقای خود را نشان داد و به غرب باج نداد و به آنها اعتنا نکرد ۳۴
۲,۲.هر انسان آگاهی به کنجکاوی می‌افتد که این موجود چیست که با این‌همه دشمنی، در زمینه مسائل علمی و فناوری پیشرفت کرده است ۳۴
۲,۳,۱.عظمت این راهپیماییها به چشم ما نمی‌آید اما برای ناظر جهانی بسیار خیره‌کننده بوده و عوامل جذابیتی است که کنجکاوی‌ها را تحریک میکند ۳۵
ب)شرح توصیفی کوتاه از مکتب ماندگار امام خمینی و نقشه اصلی معمار کبیر انقلاب در بنای نظم جدید سیاسی ـ مبنایی ۳۵
۱.آنچه درباره امام بزرگوارمان گفته‌ایم، اغراق نیست، بخشی از واقعیت است؛ امام بیش از آنچه توصیف کرده‌ایم، دارای مضمون و معنا و مغز بود ۳۵
۲. انقلاب اسلامی ساخته و پرداخته‌ی دست معمار بزرگ است؛ لذا ما برای اینکه راه را درست برویم، باید نقشه‌ی معمار را بدانیم ۳۶
۲,۱.نقشه‌ی او نقشه‌ای نبود که فقط از ذهن انسان صادر شود، قطعاً مؤیدمن‌عندالله بود؛ خود امام بزرگوار این را می دانست و به آن معترف بود ۳۶
۲,۲.برای اینکه به اهداف انقلاب برسیم، باید راه را گم نکنیم؛ برای گم نکردن راه هم باید نقشه اصلی و اساسی جلوی چشم ما باشد وآن را بدانیم ۳۶
۲,۳.نقشه‌ی امام و کار اصلی ایشان، بنای یک نظم مدنی – سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود ۳۶
۲,۳,۱.مقدمه‌ی بنای نظام اسلامی این بود که نظام پادشاهی فاسد ، وابسته و دیکتاتور ریشه‌کن شود ۳۶
۲,۳,۲.مسئله این نبود که نظام پادشاهی برود و به جای آن پادشاهی یا شبه‌پادشاهی بنشیند؛ باید خصوصیاتی که نظام پادشاهی داشت ریشه‌کن می شد ۳۷
۲,۴.در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکته‌ی اساسی وجود دارد که به یک معنا دو روی یک حقیقت است: ۳۷
۲,۴,۱.یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت باید در چهارچوب شریعت اسلامی باشد ۳۷
۲,۴,۲.گمان نشود امام مردم‌سالاری را از فرهنگ غربی گرفت و با تفکر اسلامی قاطی کرد؛ نه، این جزو دین است، لذا شریعت اسلامی چهارچوب است ۳۷
۲,۴,۳.نظام اسلامی متکی به این دو پایه است؛ یعنی گردش کار به‌وسیله مردم‌سالاری است و التزام به شریعت اسلام، روح و حقیقت نظام است ۳۷
۲,۴,۴.اگر شریعت اسلامی به‌طور کامل اجرا شود تحقق عناصر اصلی در نظم جامعه اسلامی یعنی آزادی، استقلال، عدالت و معنویت تضمین می شود ۳۸
۲,۵.در مکتب امام هیچ غلبه‌ای که از تغلب و اِعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست؛ بلکه قدرت و اقتدارِ برخاسته از انتخاب مردم معنا دارد ۳۸
۲,۵,۱.کسی نباید در مقابل قدرتی که از انتخاب مردم به‌وجود آمد، قهر و غلبه‌ای به کار ببرد؛ اگر چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است ۳۸
۲,۶.یکی از عناصر اصلی نسخه جدید نظم سیاسی مبنایی امام، به کمک مظلوم شتافتن و با ظالم مقابله کردن، نفی دست‌اندازی‌ها و شکستن ابهت اوست ۳۸
۳.نسخه امام مثل خیلی از حرفهای سیاسی، در کتابها نماند؛ در واقعیت تحقق و تبلور پیداکرد؛ ملت ایران هم فداکاری کردند و این را حفظ کردند ۳۹
ج) بیان چالش های دورنی و بیرونی انقلاب اسلامی ۳۹

۱. امام در کارخود به توفیق کامل رسید؛ اما پر شدن بخش های خالی این جدول اجتماعی تاریخی به همت ما و مراعات آن خط روشن بستکی دارد ۳۹
۱,۱.با تجربه ۳۵ ساله و حرکت موفق و سِیر مستمری که ملت ایران نشان داده است ، ادامه این راه ممکن است ۳۹
۲.این راه،چالشها و موانعی هم دارد؛ اگر موانع را نشناختیم، عبور از آنها دشوار یا حتی غیر ممکن خواهد شد ۳۹
۲,۱.باید جوانان ، فرزانگان و زبدگان فکری ما، روی هرکدام از سرفصل‌های موانع فکر و مطالعه و بحث کاربردی و عملیاتی و ناظر به واقعیت کنند ۳۹
۳.چالش بیرونی ما مزاحمتهای استکبار جهانی وآمریکا است که سنگ‌اندازی می کنند؛ لذا نقشه کار آمریکا را باید شناخت ۴۰
۳,۱.نقشه کلان و لو رفته‌آمریکا این است که کشورها، جریانها و آدمهای دنیا را به سه قِسم تقسیم می کند: ۴۰
۳,۱,۱. قِسم اول، کشورها ، جریانهای سیاسی و اجتماعی و آدمهای گوش‌به‌فرمان و سرسپرده هستند ۴۰
۳,۱,۲. یک عده کشورهای مستقلی هستند که گوش‌به‌فرمان نیستند، اما باید با آنها مدارا کرد و منافع مشترکی تعریف کرد تا فعلا با آنها کنار آمد ۴۰
۳,۱,۳. قِسم سوم کشورهای نافرمان هستند، آنهایی که زیر بار آمریکا نمی روند، گستاخی نشان داده و باج به آمریکا نمی دهند ۴۰
۳,۲.سیاست آمریکا با دسته اول حمایت کامل است؛ در عین حال از آنها همه‌جور سواری و خدمت می‌گیرند ۴۱
۳,۲,۱. البته از رفتار زشت آنها در عرف جهانی، دفاع و توجیه میکنند؛ مثلاً به کشورهای مستبد این دسته به جای دیکتاتور، پدرسالار می گویند ۴۱
۳,۲,۲ به همین خاطر در مقطعی که صدام سرسپرده آنها و علیه نظام متمرد جمهوری اسلامی بود، حمایتهای لازم را کردند و در خدمت او قرار گرفتند ۴۱
۳,۳.آمریکا فعلا نسبت به دسته دوم منافع مشترکی تعریف می کند؛ اما وقتی که فرصتی پیدا کرد، خنجر را از پشت به قلب آنها می کوبد ۴۱
۳,۳,۱. آمریکا نسبت به کشورهای اروپایی تا آنجا که بتواند لگد میزند و از شخص اول کشورِ هم‌پیمان خود جاسوسی اینترنتی می کند ۴۲
۳,۳,۲. فهم بنده از مسائل سیاست این است که اروپایی‌ها در یک خطای بزرگ راهبردی قرار دارند که خودشان را در خدمت آمریکا قرار داده‌اند ۴۲
۳,۴. آمریکا علیه دسته سوم از هر وسیله ممکن استفاده می کند؛ لذا اگر علیه آنها حمله نظامی نمیکند به این خاطر است که نمیتواند ۴۲
۳,۴,۱. یکی از راه‌های آمریکایی علیه دسته سوم این است که پیشبرد هدفهای خود در کشور مورد نظر را به عناصر داخلیِ همان کشور واگذار می کنند ۴۲
۳,۴,۲. یکی از راه ها این است که کسانی را تقویت کنند تا از طریق کودتا، نظام و دستگاه دولتی که در مقابل آنها تسلیم نمی شود، از سر راه بردارند ۴۳
۳,۴,۳. راه دیگر کشاندن بخش ازمردم به خیابانها است؛چرا باید مسئول آمریکایی در تظاهرات یک عده اقلیت در یک کشور اروپایی شرکت کند؟ ۴۳
۳,۴,۴.یکی از کارها، فعال کردن گروه‌های تروریست است؛ این را در عراق، افغانستان، برخی از کشورهای عربی و در کشور خود ما انجام دادند ۴۳
۳,۴,۵.یکی از راه‌ها ایجاد اختلاف در رأس حاکمیتها وحاکمیت دوگانه است؛ خیلی‌جاها موفق نمیشوند، اما متأسفانه بعضی‌جاها هم موفق میشوند ۴۴
۳,۴,۶.یکی از راه‌ها این است که با تبلیغات خود دلها و افکار مردم را از مبانی اعتقادی و ایمانی‌شان منصرف کنند ۴۴
۳,۴,۷.آمریکا در مورد ایران‌اسلامی، همه این کارها را انجام داده است و به فضل‌الهی در همه آنها شکست خورده است؛چون ملت بیدار و مؤمن بود ۴۴
۴. چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم ؛ این بزرگ‌ترین خطر است ۴۴
۴,۱. موارد دیگر اینکه در شناخت دشمن و دوست اشتباه کنیم،جبهه دشمن و دوست را مخلوط کنیم؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه کنیم ۴۴
۴,۱,۱.باید دشمن اصلی را پیدا کرد؛ والا اگر با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه شوید، هم قوای او تحلیل می رود و هم نتیجه کارْ نتیجه مطلوبی نخواهد شد ۴۴
۴,۱,۲.امروز گروه‌های تکفیری علیه تشیع تلاش میکنند که کارهای زشتی است؛ اما دشمن اصلی سرویس‌های اطلاعاتی است که اختلاف می‌اندازند ۴۵
۴,۲.سرگرم شدن به اختلافات فرعی و سطحی و غفلت از مسائل وخطوط اصلی یکی از مصادیق چالشهای درونی اصلی است ۴۵
۴,۳.از دست دادن انسجام ملت، دچار شدن به تنبلی، کم‌کاری و یأس و ناامیدی و تصور ما نمیتوانیم و نتوانستیم، از دیگر چالش های درونی است ۴۵
موخره ۴۶
بیانات در بازدید از نمایشگاه کتاب دارالحدیث و دیدار با پژوهشگران آن ۱۳۹۳/۲/۱۵ ۵۰
مقدمه ۵۰
۱. دانشنامه مهدویّت کتاب برجسته و جالب و دارای خصوصیات مهمی است و تولید آن کار بسیار مهمّ و بزرگی است ۵۰
۱,۱.مهم این نیست که این کتاب کامل و جامع است یا نقص دارد ؛ مهم این است که نیاز به آن احساس، و همّت برای تولید آن برانگیخته شد ۵۰

۲. یکی از بخشهای جهان‌بینی ادیان الهی مسئله‌ی نهایت سِیر کاروان بشر در این دنیا و مسئله مهدویت است ۵۰
۲,۱.همه ادیان الهی معتقدند این کاروان در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب، دلگشا و دلنشین خواهد رسید که خصوصیّت عمده آن«عدالت» است ۵۱
۲,۱,۱.آنها که در مبانی و تفکّرات اصولی معتقد به تنوّع و تحوّل هستند، نمیتوانند انکار کنند که اساسی ترین خواسته بشر از روز اوّل تا امروز عدالت است ۵۱
۲,۲.همه‌آنچه در تاریخ تا امروز مشاهده میکنیم، حرکت بشر در کوره‌راه‌ها و خارستانها است تا به اتوبان برسد؛ که همان دورانِ مهدویّت و ظهور است ۵۱
۳.این‌گونه نیست که در دوران ظهور یک حرکت دفعی انجام بگیرد و تمام شود؛ نه، یک مسیر است؛ بشریّت در راهی قرار میگیرد که صراط مستقیم است ۵۲
۳.در دوران ظهور،«بشریّت» به مقصد آفرینش میرسد، نه افراد بشر؛ البته طبیعت بشر تغییر نمی کند و درگیری درونی خیر و شر باقی خواهد ماند ۵۲
۳,۱.بشریّت یکپارچه به فرشته تبدیل نمی شود و خوب و بد وجود دارد؛ منتها راه ، مساعدِ خوب شدن است؛ که همان معنای حقیقی «عدل» است ۵۲
۴.آیه ۷ سوره قصص ابتدا به وعده نزدیکِ برگرداندن موسی به مادر اشاره دارد؛ تا از تحقق وعده بزرگ تر یعنی فرستادن منجی اطمینان دهد ۵۲
۴,۱. موفّقیّتهایی که در طول تاریخ از طریق دین حاصل شده؛ مثل جمهوری اسلامی، وعده‌های کوچک است ؛ تا بدانیم آن کار بزرگ هم انجام خواهد شد ۵۳
۵.حقیقتاً منتظر ظهور بودن ، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است؛ خود این انتظار، فرج ، امیدبخش و نیرو بخش است ۵۳
۶.حقیقتاً باید از مجموعه کارهایی که شما انجام دادید، تشکّر کنم؛مجموعه شما آزمون خوبی در شناخت نقاط خلاء و پر کردن آن گذرانده است ۵۴
۷.مسئله قرآن و حدیث بسیار مهمّ است؛در موضوع مهدویت مسائل بسیاری وجود دارد که بهترین مرجع عبارت است از احادیث ائمه علیهم‌السّلام ۵۴
۷,۱.شواهد عقلی به‌عنوان مؤیّد می توانند به کار روند؛ امّا آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع حدیثی و قرآنی است؛ البتّه باید تنقیح شوند ۵۴
موخره ۵۴

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در مقطعی از تاریخ به وقوع پیوسته است که جبهه نظام کفر تاریخی با شرح صدری بلوغ یافته، تمدنی مادی را در جهان مستولی کرده است و داعیه جهانی کردن این تمدن را دارد.

اما در مقابل، تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام ناب، جبهه تاریخی ایمان را در افق جدیدی از مبارزه وارد نمود.

آرمان انقلاب اسلامی تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است که در این میان نقش رهبران بی بدیل انقلاب اسلامی به عنوان معماران تمدن اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد.

با مطالعه تاریخ تکامل جامعه شیعی، به خوبی روشن می گردد که شاخص اساسی بلوغ جامعه شیعی، ولایت پذیری از امامان معصوم(علیهم السلام) و نواب امام در زمان غیبت می باشد. از این رو، سنگین ترین تکلیف و امتحان جامعه شیعی، قبول ولایت و حرکت بر مدار اراده و خواست ولی خداست.

امام راحل اختری تابناک از سلسله فقیهان و مجتهدانی بود که با رهبری داهیانه خود، جامعه شیعی را در افق جدیدی از تکلیف سنگین ولایت پذیری وارد کرد و آن چیزی نیست جز تولی به این ولی خدا در افق اجتماعی و تمدنی.

البته انقلاب اسلامی گام‌های آغازین خود را تا رسیدن به تمدن اسلامی برداشته است، و خلف صالح امام راحل، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی(مدظله العالی)، به خوبی مسیر تحقق تمدن اسلامی را ترسیم نموده، با ولایت و مدیریت الهی خود و تبیین وظایف تمام آحاد جامعه در هر منصب و مقامی در فرمایشاتشان جامعه اسلامی را گام به گام به آرمان شهر خود نزدیک می کند.

بر این اساس، آنچه بر تمامی مسولین و آحاد مختلف جامعه فرض است، توجه تام و تمام به فرمایشات و مطالبات رهبری انقلاب اسلامی است؛ فرمایشاتی که عین تکلیف شرعی است و مسیر بندگی الهی را در حوزه حیات اجتماعی به خوبی ترسیم می کند.

از این رو، معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر(عجل الله فرجه) بر آن شد که از ابتدای سال ۱۳۹۱ فرمایشات آن رهبر معظم را گردآوری و تنظیم جدید کرده و همراه با تحلیل و جمع بندی مختصر و استخراج مطالبات ضمنی و صریح ایشان، با عنوان «ره نامه» و به صورت دوره‌ای در اختیار جامعه ولایت مدار، به ویژه مخاطبان آن فرمایشات و بالاخص تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام اسلامی قرار دهند.

باشد که بتوانیم از منویات آن رهبر فرزانه در جهت رشد و تعالی اسلامی بهره برده، سهمی هر چند اندک در ترویج آن داشته باشیم.

در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این جزوه یاری کرده اند به ویژه جناب آقای جعفرزاده تهیه کننده، هم چنین از مدیر عامل محترم مؤسسه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای عزّت زمانی و همکاران محترم معاونت فرهنگی و انتشارات مؤسسه، تشکر و قدردانی می شود.

از خوانندگان محترم استدعا و انتظار داریم که دیدگاه های تکمیلی و اصلاحی خویش را به منظور هر چه بهتر شدن جزوات بعدی، در اختیار ما قرار دهند؛ که با آغوش باز پذیرائیم.

والسلام
معاونت پژوهشی
مؤسسه ولاء منتظر(عجل الله فرجه)

بیانات در
دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۱۳۹۳/۳/۴

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
و الحمدلله و الصّلاة علی رسول‌الله و علی آله الطّاهرین

الف) توصیه های اخلاقی به مسئولان و نمایندگان مجلس؛ تبیین جایگاه مبارزه در پیروزی و بقای انقلاب اسلامی و نقش مجلس در این مبارزه

مقدمه

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز. همین‌طور که فرمودند،[1] این میعاد سالیانی، برای بنده هم فرصتی است: چهره‌ی نمایندگان محترم را از نزدیک زیارت میکنیم، و درباره‌ی فعّالیّت آنها گزارشی را که غالباً گزارشهای خوب و خرسندکننده است میشنویم، چند جمله‌ای هم عرایضی عرض میکنیم. این برای ما یک فرصت است و خدا را سپاسگزاریم که امسال هم این توفیق را پیدا کردیم. روز شهادت موسی‌بن‌جعفر (سلام الله علیه) است، تسلیت عرض میکنم؛ ایّام مربوط به بعثت است، تبریک عرض میکنم؛ و روزهای یادآوری حماسه‌ی بزرگ سوّم خرداد و فتح خرّمشهر و مجاهدتهای جوانهای بااخلاص و فداکار ما است، آن را هم تبریک عرض میکنم.

۱. آنچه در اختیار ما مسئولان است امانت است، ادای این امانت واجب قطعی و شرعی است؛ دوره‌ی مسئولیّت هم گذرا است

آنچه مهم است، این است که هر جا هستیم – چه شما، چه این حقیر، چه بقیّه‌ی مسئولین – توجّه داشته باشیم که آنچه در اختیار ما است امانت است، ادای این امانت هم واجب قطعی و شرعی است. و خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد؛ هم درباره‌ی آنچه کردیم، هم درباره‌ی آنچه نکردیم؛ باید به این توجّه داشته باشیم.

دوره‌ی مسئولیّت هم گذرا است. خب، شما از این دوره‌ی چهارساله‌ی اخیر مجلس نهم، دو سال را گذراندید. همه‌ی حوادث عالم، همین‌جور سریع میگذرد؛ عمر انسان هم همین‌جور است. این تمثیل قرآنی خیلی تکان‌دهنده است: سبزه‌ای که در اوّل بهار از زمین میرویَد یا از شاخ خشک درخت میشکفد، سبزه‌ی زیبایی است؛ انسان از نگاه کردن به برگ سبز و به سبزه‌ی بهاری لذّت میبرد؛ نوپا و تازه است و رو به رشد دارد؛ چیزی نمیگذرد که تابستان فرا میرسد و این سبزه، آنچه را از استعداد در آن گذاشته شده است، نمایان میکند – چه میوه در درخت، چه محصول در زراعت – باز چیز زیادی نمیگذرد که پاییز فرا میرسد؛ وقتی پاییز فرا رسید، همان سبزه‌ی زیبای پرطراوت

۱ . رئیس مجلس شورای اسلامی.

تبدیل میشود به برگ خشکی و خاشاکی؛ فَاَصبَحَ هَشیمًا تَذروهُ الرِّیح؛[۲] همان چهره‌ی زیبا و جذّاب و طراوت‌بخش، تبدیل میشود به خاشاکی که بادها آن را از این‌طرف به آن‌طرف میبرند.

۱,۱.طول این زندگی جلوی چشم ما است: سبزه و طراوت و شادابی و آمادگی، و بعد بتدریج پختگی، و بعد بتدریج فرسودگی

ما هم همین‌جور هستیم؛ این نمایش عینی عمر ما است: از یک جا شروع میشود، کودکی است و جوانی است و طراوت است و شادابی است و نشاط است و حوصله است و آرزوهای بزرگ است؛ بعد میرسیم به میان‌سالی، آنچه از استعدادهایی که در ما وجود داشته است، به قدر همّتمان، به قدر تلاشمان، بُروز پیدا میکند؛ بعد سرازیر میشویم به سمت کهن‌سالی. و گفت: دیر بماندم در این سرای کهن من تا کهنم کرد صحبت دی و بهمن[۳] کهنه میشویم، فرسوده میشویم؛ فَاَصبَحَ هَشیمًا تَذروهُ الرِّیح؛[۴] میشویم مثل همان خاشاک. این عمر است، طبیعت زندگی همین است؛ این را باید فهمید. تا انسان جوان است، این را نمیفهمد، در سنین ما، انسان این را بیشتر حس میکند، بیشتر درک میکند.

طول این زندگی جلوی چشم ما است: سبزه و طراوت و شادابی و آمادگی، و بعد بتدریج پختگی، و بعد بتدریج فرسودگی؛ این را انسان جلوی چشمش مشاهده میکند.

۱,۲.در مقابل محاسبه الهی هر کلمه‌ای که از ما صادر میشود، هر حرکت و اقدام ما، بلکه هر اندیشه ما ثبت و ضبط میشود؛ باید با این توجّه کار کنیم

با این نگاه باید کار کرد. بعد هم در مقابل محاسبه‌ی الهی که «ما یَلفِظُ مِن قَولٍ اِلّا لَدَیهِ رَقیبٌ عَتید»،[۵] هر کلمه‌ای که از ما صادر میشود، ثبت میشود، ضبط میشود؛ هر حرکت ما، هر اقدام ما، بلکه هر اندیشه‌ی ما و فکر ما. باید با این توجّه کار کنیم؛ شما در کرسی‌های مجلس، هیئت رئیسه‌ی محترم – که به آنها هم تبریک عرض میکنیم که مجدّداً مورد اعتماد نمایندگان قرار گرفتند –[۶] در جایگاه ریاست و مدیریّت، و این حقیر در جای خودم، مسئولین دولتی [هم] همین‌جور؛ با این روش باید نگاه کرد.

۱,۳.مسئولیت امانت است؛ ادای امانت هم به این است که آنچه وظیفه‌ی ما است بشناسیم و در حدّ وسع، برای آن تلاش کنیم و تا جایی که میتوانیم بدویم

امانتی است، این امانت را بایستی ادا کنیم؛ اِنَّ اللهَ یَأمُرُکُم اَن تُؤَدُّوا الاَمانتِ اِلی اَهلِها.[۷] ادای امانت هم به این است که آنچه وظیفه‌ی ما است بشناسیم و در حدّ وسع – بیش از آن هم از ما نخواسته‌اند – و توان، برای آن تلاش کنیم و تا جایی که میتوانیم بدویم.

۲ . سوره‌ی کهف، بخشی از آیه‌ی ٥٤.
۳ . کلیّات ناصرخسرو، قصیده‌ی ٤٨١.
٤ . سوره‌ی کهف بخشی از آیه‌ی ٥٤.
٥ . سوره‌ی ق، آیه‌ی ٨١.
٦ . انتخابات هیئت رئیسه‌ی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ٤/٣/٣٩٣١ برگزار شد.
٧ . سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی٨٥.

۲.نظام اسلامی با مبارزه به‌وجود آمد، بدون مبارزه این نظام تحقّق‌پذیر نبود؛ حفظ و پایداری نظام هم با مبارزه امام، مردم و مسئولان به‌وجود آمد

برادران و خواهران عزیز! نکته‌ای که وجود دارد این است که نظام اسلامی با مبارزه به‌وجود آمد، بدون مبارزه این نظام تحقّق‌پذیر نبود؛ همه‌ی آرزوهای بزرگ در دنیا همین‌جور است.حفظ نظام و پایداری نظام هم با مبارزه به‌وجود آمد؛ اگر مبارزه‌ی مردم نبود، اگر مبارزه‌ی امام نبود، اگر مبارزه‌ی مسئولان در میدانهای مختلف نبود، این نظام باقی نمی ماند و از بین میرفت.

۲,۱.در یک نقاطی از دنیا مثل شمال آفریقا فرصتی پدید می‌آید، لکن این فرصت را صاحبان فرصت نمیتوانند نگه‌دارند و آن را از دست میدهند

همچنان‌که می‌بینید در یک نقاطی از دنیا – که از ما دور هم نیستند – حادثه‌ای پیش می‌آید، فرصتی پدید می‌آید، لکن این فرصت را صاحبان فرصت نمیتوانند نگه‌دارند، آن را از دست میدهند؛ ببینید در شمال آفریقا و در بعضی جاهای دیگر چه خبر است.

۲,۱,۱.عین این سرنوشت میتوانست برای جمهوری اسلامی پیش بیاید؛ آنچه نگذاشت این اتّفاق بیفتد، مبارزه صمیمی و جدّی و خردمندانه بود

عیناً این سرنوشت میتوانست برای جمهوری اسلامی پیش بیاید که دری به تخته بخورد و حرکتی به‌وجود بیاید و نظامی اسلامی با شعارهای رنگین و برّاق به‌وجود بیاید، بعد هم بعد از اندکی بکلّی اوضاع دگرگون بشود و از بین برود. آنچه نگذاشت این اتّفاق بیفتد، مبارزه بود؛ مبارزه‌ی صمیمی و جدّی و خردمندانه؛ این را ما فراموش نکنیم.

۲,۱,۲.ملّت ایران در راه پیشرفت خردمندانه عمل کرد؛ واقعیّت این است که اگر خردمندانه نبود نمی شد، نمی ماند، پیش نمیرفت و به نتیجه نمی رسید

دشمنان ما نمیخواهند این را اعتراف بکنند که ملّت ایران در راه پیشرفت خود، خردمندانه عمل کرد، امّا واقعیّت قضیّه این است که اگر خردمندانه نبود، نمیشد، نمیماند، پیش نمیرفت، به نتیجه نمیرسید؛ [پس] خردمندانه بود. حرکت ملّت ایران، حرکت صمیمی بود، صادقانه بود؛ فَلَمّا رَأَی اللهُ صِدقَنا اَنزَلَ بِعَدُوِّنَا الکَبتَ وَ اَنزَلَ عَلَینَا النَّصر؛ ۸ این را امیرالمؤمنین فرمود. صدق ملّت ایران در میدانهای مختلف نشان داده شد.

۲,۲.عیوب و اشکالات را نباید تعمیم داد؛ آنچه قابل تعمیم است صدق، حرکت، مبارزه است؛ پس نظام با مبارزه به‌وجود آمد، با مبارزه هم باقی ماند

خب حالا میشود نشست یک گوشه‌ای، از این گوشه آن گوشه عیوبی پیدا کرد، اشکالاتی پیدا کرد، اعتراض کرد؛ خب بله، معلوم است، امّا این را تعمیم نباید داد، تعمیم نمیشود داد، آنچه قابل تعمیم است این است: صدق، حرکت، مبارزه. پس نظام با مبارزه به‌وجود آمد، با مبارزه هم باقی ماند.

۸ . نهج البلاغه، خطبه‌ی ٦٥.

۲,۳.کار من و شما ادامه آن مبارزه است، و بدون مبارزه نمیتوانید به آن هدفها دست پیداکنید

من عرض میکنم کار من و شما ادامه‌ی آن مبارزه است، و بدون مبارزه نمیتوانید به آن هدفها دست پیداکنید؛

۲,۳,۱.علّت این نیست که نظام ما یک نظام جنگ‌طلب است؛ نه، بلکه برای عبور از منطقه ای که در آنجا دزدان دریایی مستقرّند، باید مجهّز بود

علّت هم معلوم است؛ علّت این نیست که نظام جمهوری اسلامی یک نظام جنگ‌طلب است؛ نه، به‌هیچ‌وجه قضیّه این نیست. شما وقتی از یک منطقه‌ای در دریا که در آنجا دزدان دریایی مستقرّند، میخواهید با کشتی عبور کنید، باید مجهّز باشید؛ طبیعت کار این است. باید بتوانید از خودتان دفاع کنید، انگیزه‌ی دفاع داشته باشید؛ اگر انگیزه‌ی دفاع نداشته باشید، سرنوشت شما معلوم است: لخت میشوید، آواره میشوید، کشتی از دستتان میرود، جان شما هم یا نابود خواهد شد یا با ذلّت و اسارت باقی خواهد ماند؛ مسئله در دنیا این است. حالا فرق دزدان دریاییِ امروز دنیا – که دزدان دریا و زمین و هوا و همه‌جا هستند – با دزدان دریایی شناخته‌شده‌ی تاریخ و داستانها و افسانه‌ها و وقایع خارجی، این است که اینها مجهّز به علمند.

۲,۳,۲. امروز دزدان غارتگر بشر به دانش مجهّزند که آنها را آبرومند کرده است؛ البته به خاطر اینکه اخلاق ندارند براحتی جنایت می کنند

امروز دزدان غارتگر بشر – هم غارت پول، هم غارت منابع، هم غارت حیثیّت و عزّت، هم غارت اخلاق – مجهّزند به دانش؛ این اینها را آبرومند کرده. دانش، هم چهره‌ی اینها را از آن حالت وحشت‌انگیز در چشمها خارج کرده، هم ثروتشان را زیاد کرده؛ فقط فرقشان این است. عاقلانه عمل کردند، خودشان را به علم رساندند، امّا به اخلاق نه؛ لذا براحتی جنایت میکنند. براحتی به آرمانهای بشری خیانت میکنند، براحتی جنگ‌افروزی میکنند، براحتی سلاح شیمیایی به کار میبرند، سلاح شیمیایی را به به‌کاربرنده‌ی آن براحتی تسلیم میکنند، باکی هم ندارند.

۲,۳,۳. جنایت اینها از جنایت دزدان دریاییِ سنّتی بالاتر است؛ چون گناه بزرگ را صواب وانمود می کنند؛لذا ما چاره ای جز دفاع و مبارزه نداریم

در مقام حرف و استدلال هم این را با زرورق – به نامهای مختلفی – میپوشانند، نمیگذارند کسی بفهمد؛ یعنی جنایت اینها از جنایت دزدان دریاییِ سنّتی و موجود در افسانه‌ها و فیلمها بالاتر است؛ برای خاطر اینکه گناه بزرگ را انجام میدهند و این را کار صواب وانمود میکنند. ما با یک‌چنین دنیایی طرفیم، با یک‌چنین جبهه‌ای طرفیم؛ چاره‌ای نداریم جز اینکه از خودمان دفاع کنیم؛ مبارزه این است.

۲,۴.آنهایی که برای تئوریزه کردن سازش و تسلیم ، نظام را متّهم به جنگ‌طلبی یا تئوریزه کردن جنگ میکنند، دروغ میگویند و دارند خیانت میکنند

اینهایی که برای تئوریزه کردن سازش و تسلیم و اطاعت در مقابل زورگویان، نظام را متّهم میکنند به جنگ‌طلبی یا به تئوریزه کردن

جنگ، دارند خیانت میکنند، دروغ میگویند. نه، نظام نظام انسانی است، نظام شرف است، نظام احترام به کرامت بشر است، نظام سلامت است؛ وَ الصُّلحُ خَیر.[۹]

۲,۵.در همه صحنه‌ها و در عرصه های اداره کشور، فعّالیّتهای گوناگون، سیاست‌گذاری، تقنین، مذاکرات خارجی و... باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم

در همه‌ی این صحنه‌ها، چه عرصه‌ی اداره‌ی کشور، چه عرصه‌ی فعّالیّتهای گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و غیره، چه عرصه‌ی سیاست‌گذاری، چه عرصه‌ی تقنین، چه عرصه‌ی مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم؛ در ادامه‌ی مبارزاتی و راهی که به پیدایش نظام و بقای نظام منتهی شد، داریم حرکت میکنیم؛ این را باید بدانیم.

۲,۵,۱.مبارزه باید مثل یک تفکّر گسترده بر تمام فعّالیّتهای ما حاکم باشد؛ باید در مقابل قوای شیاطین عالم خود را قوی کرد و ایستاد

این بایستی مثل یک تفکّر گسترده‌ای بر تمام فعّالیّتهای ما حاکم باشد، هر کاری میکنیم، این بایست در ضمن آن ملحوظ باشد. قوای شیاطین عالم برآنند که هر جایی، هر پایگاهی از پایگاه‌های بشری و تمدّن بشری وجود دارد که در خدمت آنها نیست منهدم کنند؛ بنایشان بر این است. می‌بینید دیگر؛ باید در خدمت آنها بود، باید حرف زور آنها و نعره‌ی خشن آنها را شنید و تسلیم آن شد، والّا معارضه میکنند، مبارزه میکنند، دعوا میکنند. باید در مقابل آنها خود را قوی کرد و ایستاد؛ این اساس کار است.

۲,۵,۲. کار اساسی مجلس ادامه مبارزاتی است که به پیروزی و بقای این انقلاب منتهی شد

شما در تقنین، دستگاه‌های دولتی در اجرا، مسئولین گوناگون بخشهای مختلف در حوزه‌های مسئولیّت خودشان، باید به این توجّه داشته باشند. این عرض ما است. کار اساسی مجلس ادامه‌ی مبارزاتی است که به پیروزی انقلاب منتهی شد و مبارزاتی که به بقای این انقلاب منتهی شد.

۲,۵,۳. مبارزه و جهاد تمام‌نشدنی است، چون شیطان همیشه در دنیا هست؛ بلکه با موقعیّتهای مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا می کند

خب، حالا این مبارزه تا کِی طول خواهد کشید؟ مبارزه و جهاد به‌یک‌معنا تمام‌نشدنی است – چون شیطان همیشه در دنیا هست – به‌یک‌معنا با موقعیّتهای مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا میکند. اگر کشورها و ملّتهایی، بتوانند همّت کنند و جامعه‌ی بشری را و جامعه‌ی جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. یعنی عمده‌ی مشکل بشریّت این است.

یک. اگر بشر خود را از زیر سایه سنگین دستگاه های استکباری بیرون بکشند، نفس راحتی خواهد کشید؛ البتّه آسان نیست و مبارزات طولانی میخواهد

امروز دستگاه‌های استکباری و در رأس آنها آمریکا، مثل بختک افتاده‌اند روی جسم بشریّت و روی فکر بشریّت – مثل جان بشریّت – او را احاطه کرده‌اند، او را میفشرند، او را آشفته میکنند، زندگی‌اش را پریشان میکنند؛ [اگر] بشریّت بتوانند خودشان را از زیر این سایه‌ی سنگین،

۹ . سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۸۲۱.

از زیر این کابوس بیرون بکشند، آن‌وقت نفس راحتی خواهد کشید. البتّه کار آسانی نیست، کار دشواری است، مبارزات طولانی و بلندمدّت میخواهد.

دو. ملّت ما گامهای بلندی در این راه برداشت؛ نفْسِ تشکیل نظام اسلامی و تشکیل پیاپی مجلس که مظهر مردم‌سالاری اسلامی است، بلندترین گام است

ملّت ایران گامهای بلندی را در این راه برداشته است. خودِ نفْسِ تشکیل نظام اسلامی، بلندترین گام بود؛ تشکیل پیاپی مجلس قانون‌گذاری که مظهر مردم‌سالاری اسلامی است، بزرگ‌ترین کار است؛ خودِ نفْسِ نشستن شما در این جایگاه، نفْسِ حضور شما به‌عنوان نماینده‌ی مردم و مظهر مردم‌سالاری دینی یک مبارزه است؛ این را باید قدر دانست و پیش برد.

ب) وظایف مجلس نسبت به مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی، برنامه ششم و مساله جمعیت

۱. «مدیریّت جهادی» شامل مجلس در حوزه تقنین و نظارت هم می شود؛ اگر این مسئولیتها با انگیزه خدمت انجام شود بزرگ‌ترین کار جهادی است

ما اوّلِ امسال عرض کردیم «مدیریّت جهادی»؛ این مدیریّت جهادی مخصوص دولت نیست، شامل مجلس هم هست؛ طبعاً در حوزه‌ی کار مسئولیّت خود مجلس، یعنی تقنین و نظارت که عمده‌ترین مسئولیّتهای مجلس است. این مسئولیّتها اگر به‌طور جدّی، به‌دور از انگیزه‌های شخصی، به‌دور از هرچیزی جز انگیزه‌ی خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است؛ کار جهادی یعنی این؛ انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد، اولویّتها را باید نگاه کرد.

۲. در برنامه‌ی ششم که در پیش است، بر روی اقتصاد، فرهنگ و علم باید تکیه کنید

من بر روی اقتصاد مقاومتی تکیه میکنم. اوّلِ سال هم عرض کردم، به شما هم حالا توصیه خواهم کرد، در برنامه‌ی ششم که در پیش است، روی اقتصاد و روی فرهنگ و روی علم باید تکیه کنید. اقتصاد مقاومتی قدم بلندی است که در این زمینه‌ها میتوان برداشت و دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مدیریّت کشور – چه در مجلس، چه در دولت، چه بخشهای گوناگون – وظایفی در این زمینه دارند.

۳.علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است؛ از کسانی که در بخشهای مختلف ابتکار و تحرّک دارند، دفاع میکنیم امّا علاج مشکلات در درون است

علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است. علاج مشکلات کشور را – چه مشکلات اقتصادی، چه مشکلات سیاسی – بیرون از این مرزها نمیشود پیدا کرد. کار بکنند؛ هرکس هر تلاشی بلد است، انجام بدهد؛ ما هم موافقیم، بارها هم گفته‌ایم، از همه‌ی کسانی که در بخشهای مختلف – خارجی، داخلی – ابتکار دارند و حرکت دارند و تحرّک دارند، ما دفاع میکنیم – دفاع صمیمانه و واقعی، نه دفاع صوری – امّا معتقدیم آن‌چیزی که علاج مشکلات کشور است، در درون کشور است، در درون وجود من و شما است. ما هستیم که میتوانیم اقدام بکنیم؛ بلد باشیم که چه‌کار بکنیم و بفهمیم که راه درست کدام است و با جرأت و دلیری آن کار را انجام بدهیم؛ آن‌وقت مشکلات

کشور بلاشک حل خواهد شد. یک گام بزرگ و بلند، همین اقتصاد مقاومتی است.

۳,۱.مسئولین مختلف در مقام حمایت و ستایش از سیاستهای اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند؛ لکن ستایش و تعریف کافی نیست؛ حرکت و اقدام لازم است

البتّه از روزی که این سیاستهای اقتصاد مقاومتی اعلام شده است و ذکر آن مکرّر گفته شده است، ۱۰مسئولین مختلف – دولتی‌ها، مجلس محترم، دستگاه‌های مختلف، مسئولان گوناگون – در مقام حمایت و ستایش از این سیاستهای اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند و مکرّر گفته شده، لکن تجربه‌ی بنده به من میگوید که ستایش کافی نیست؛ تعریف کردن کافی نیست؛ حرکت لازم است. بله، افرادی می‌آیند، می‌نشینند، در منبرهای عمومی یا در جلسات خصوصی از مزایای این اقتصاد مقاومتی مطالبی را بیان میکنند و غالباً هم درست است، امّا خب باید اقدام کرد، عمل کرد.

۳,۲. آنچه در مجلس محترم انجام گرفت مشکور است؛ دولتی‌ها هم فعّالیّتهایی کردند، منتها اقدامات در زمینه تقنین و نظارت باید قدم‌به‌قدم دنبال شود

آنچه در مجلس محترم انجام گرفته است – که من هم قبلاً گزارش آن را داشتم، امروز هم رئیس محترم مجلس بیان کردند –۱۱ مشکور است؛ دولتی‌ها هم فعّالیّتهایی کردند، منتها باید قدم‌به‌قدم دنبال بشود؛ هم در زمینه‌ی تقنین، هم در زمینه‌ی نظارت.

۳,۲,۱.در زمینه تقنین، فراهم آوردن قوانین مناسب یا حذف قوانین مزاحم و تصویب قوانین کمک کننده به بخشهای گوناگون اقتصاد مقاومتی، مهم است

در زمینه‌ی تقنین، فراهم آوردن قوانین مناسب یا حذف کردن قوانین مزاحم – که اهمّیّت این کار دوّم از کار اوّل کمتر نیست؛ بعضی از قوانین حقیقتاً مزاحمند یا معارضند – حذف قوانین معارض و تصویب قوانینی که به بخشهای گوناگون اقتصاد مقاومتی کمک کند، یکی از کارهای مهم است.

۳,۲,۲.در زمینه نظارت هم نظارت برعملکرد دولت که مجری این حرکت بزرگ و وارد در این میدان است، به عهده مجلس است

در زمینه‌ی نظارت هم نظارت برعملکرد دولت که مجری این حرکت بزرگ و وارد در این میدان است، به عهده‌ی مجلس است.

۳,۲,۳.مجلس نمیتواند صرفاً به طرحها متّکی باشد، دولت لوایح مناسب را بیاورد؛ البتّه هیچ جا نمیتواند به جای مجلس در تصویب قوانین دخالت کند

البتّه در مورد تقنین، دولت محترم باید لوایح مناسب را بیاورد؛ مجلس نمیتواند صرفاً به طرحها متّکی باشد؛ باید لایحه بیاورند. این را هم

۱۰ . ابلاغ سیاستهای کلّی اقتصاد مقاومتی (۹۲/۱۱/۲۹۳۱)

۱۱ . در گزارش رئیس مجلس عنوان شد: «پس از ابلاغ سیاستهای کلّی اقتصاد مقاومتی، دبیرخانه‌ای در مرکز پژوهشهای مجلس ایجاد شد تا با همکاری انجمنهای علمی کشور، کمیسیون‌های تخصّصی مجلس، معاونین قوانین و نظارت رئیس مجلس، و با اشراف نایب رئیس مجلس و هماهنگی با دولت، این سیاستها را محقّق سازد».

من عرض بکنم و تأکید کنم که هیچ جای دیگری هم نمیتواند به جای مجلس در زمینه‌ی تصویب قوانین، در مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی و امثال آن دخالت بکند؛ مجلس است که بایستی قانون را تصویب کند – تشخیص بدهد، و آنچه لازم است تصویب کند – یا قانونی را حذف کند و از دُور خارج کند.

۳،۲،۴.کار دیگری که در وظایف نظارتی مهم است، مسئله مبارزه حقیقی با فساد است؛ نگذاریم کانونهای چرکین شکل بگیرند که علاج آنها مشکل است

یک کار دیگری که در وظایف نظارتی مجلس مهم است، مسئله‌ی مبارزه‌ی حقیقی با فساد است؛ حقیقتاً مبارزه‌ی با فساد [مهم است]. نگذاریم کانونهای چرکین شکل بگیرند که علاج آنها مشکل باشد. اگر نظارت درستی باشد، گاهی اوقات در قدمهای اوّل میشود جلوی یک حرکت خطا و گناه‌آلود را گرفت؛ اگر ما در قدمهای اوّل جلوی آن را نگرفتیم و این بیماری پیشرفته شد و این زخمْ ناسور۱۲ شد، آن‌وقت علاج آن مشکل میشود، سخت میشود؛ اگر به علاج هم برسد – که بیم این هست که به‌خاطر همین عواقب به علاج نرسد – با سختی و با دشواری و با تحمّل خسارتها خواهد رسید؛ از اوّل جلوی آن را باید گرفت. خوشبختانه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی در نظام، این تجربه را هم ما داریم.

۴.در مورد برنامه‌ی ششم که نقشه‌ی راه عملی برای پنج سال آینده کشور است سه نقطه‌ی اصلی وجود دارد:

امّا در مورد برنامه‌ی ششم که در واقع باید آماده بود برای اینکه این برنامه‌ی ششم تهیّه بشود، فراهم بشود و بیاید. برنامه‌ی ششم یعنی سیاستهای پنج سال کشور تدوین خواهد شد؛ شما نقشه‌ی راه عملی برای پنج سال کشور را در این برنامه‌ی ششم ان‌شاءالله تدوین خواهید کرد. سه نقطه‌ی اصلی – البتّه برنامه باید جامع باشد – وجود دارد:

۴،۱.تکیه بر روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلّی پیدا کند

یکی اقتصاد است که تکیه روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلّی پیدا کند.

۴،۲.اگر ابزارهای فرهنگی به‌وجود آمد، نباید خوشحال شویم که فرهنگ پیشرفت کرده است؛ تکیه روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی و اسلامی است

یکی مسئله‌ی فرهنگ است؛ هر جا میگوییم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزشهای اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنّتهای اسلامی؛ فرهنگ این است. این‌جور نیست که به هر شکلی ابزارهای فرهنگی در کشور به‌وجود آمد، ما خوشحال بشویم که بله، فرهنگ پیشرفت کرده؛ نه، پیشرفت فرهنگ و تکیه‌ی روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی است، فرهنگ اسلامی است، فرهنگ دینی است، تقویت ارزشهای انقلابی و اسلامی است؛ این مراد ما است و این آن چیزی است که مورد انتظار از من و شما – به عنوان سربازان این انقلاب – است که باید سینه‌مان را سپر کنیم و برای انقلاب

۱۲ . سخت یا غیرقابل علاج.

کار کنیم.

۴،۳.حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ این حرکت مطلقاً نباید کُند شود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد

و سوّم علم؛ حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمدالله در این سالها، در این ده دوازده سال حرکت خوبی در کشور به‌وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید کُند بشود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملّی و بخش مهمّی از عزّت ملّی و بخش قابل توجّهی از ثروت ملّی به برکت علم به‌دست می‌آید؛ مسئله‌ی علم و تحقیق و پیشرفت در بخشهای گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته‌ی دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم ان‌شاءالله باید در برنامه مورد توجّه قرار بگیرد.

۵.یک مسئله، مسئله جمعیّت است؛ شنیدم در مجلس هم طرحی در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیّت وجود دارد؛ این بسیار مهم است

یک مسئله هم مسئله‌ی جمعیّت است که حالا سیاستهای جمعیّت ابلاغ شد؛ ۱۳ خوشبختانه مسئولین هم تجاوب کردند۱۴ به این سیاستهای جمعیّت. شنیدم در مجلس هم طرحی در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیّت وجود دارد؛ این بسیار مهم است.

۵،۱.منافاتی ندارد ما مراعات بهداشت و سلامت مادران و نوزادان را بکنیم، در عین حال مراقب باشیم اشتباهی را که قبلاً کردیم، ادامه ندهیم

هیچ منافاتی ندارد که ما مراعات بهداشت و سلامت مادران و فرزندان و نوزادان را بکنیم – که خیلی مهم است – در عین حال مراقب باشیم اشتباهی را که قبلاً کردیم، ادامه ندهیم، دنبال نکنیم؛ مسئله‌ی کاهش جمعیّت مسئله‌ی بسیار مهمّی است.

۵،۲.برای دشمنان ما بهترین چیز این است که ایران کشوری با بیست سی میلیون جمعیّت باشد که نصف آن هم کهن‌سال، میان‌سال و ازکارافتاده باشند

برای آن دشمنانی که در اوائل صحبت اشاره کردم، بهترین چیز این است که ایران یک کشوری باشد با بیست سی میلیون جمعیّت که نصف این جمعیّت هم کهن‌سال و میان‌سال و ازکارافتاده باشند؛ این برایشان بهترین چیز است؛ [اگر] برای این برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً میکنند، پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج میکنند؛ ما باید حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد که خب خوشبختانه شنیدم در مجلس دوستان دنبال این قضیّه هستید و امیدواریم که خداوند به شما کمک کند.

موخره

ما بالاخره عرایضمان با برادران و خواهران مؤمن، بااخلاص و صمیمی مثل شما تمام‌شدنی نیست؛ حرف خیلی داریم برای گفتن، کمااینکه

۱۳. ابلاغ سیاستهای کلّی جمعیّت (۰۳/۲/۳۹۳۱)
۱۴ . جواب دادند.

شماها هم با ما خیلی حرف دارید برای گفتن که متأسّفانه مجال آن پیش نمی‌آید. امیدواریم ان‌شاءالله خداوند متعال به شماها توفیق بدهد، کمکتان کند و بتوانید آن‌چنان‌که مایه‌ی رضای الهی است و مایه‌ی خرسندی خود شما در پایان این مسئولیّت و نیز در پایان این زندگی است، به کارتان ادامه بدهید.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	توجه به واجب شرعی بودن ادای امانت مسئولیت در نظام اسلامی	مسئولین	آنچه مهم است، این است که هر جا هستیم – چه شما، چه این حقیر، چه بقیّه‌ی مسئولین – توجّه داشته باشیم که آنچه در اختیار ما است امانت است، ادای این امانت هم واجب قطعی و شرعی است. و خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد؛ هم درباره‌ی آنچه کردیم، هم درباره‌ی آنچه نکردیم؛ باید به این توجّه داشته باشیم.
۲	توجه به گذرا بودن دوره مسئولیت	نمایندگان مجلس	باید به این توجّه داشته باشیم. دوره‌ی مسئولیّت هم گذرا است. خب، شما از این دوره‌ی چهارساله‌ی اخیر مجلس نهم، دو سال را گذراندید. همه‌ی حوادث عالم، همین‌جور سریع میگذرد؛ عمر انسان هم همین‌جور است.
۳	توجه به ثبت و ضبط شدن هر یک از اقدامات و افکار و کلمات در محاسبه الهی	مسئولین	طول این زندگی جلوی چشم ما است: سبزه و طراوت و شادابی و آمادگی، و بعد بتدریج پختگی، و بعد بتدریج فرسودگی؛ این را انسان جلوی چشمش مشاهده میکند. با این نگاه باید کار کرد. بعد هم در مقابل محاسبه‌ی الهی که «ما یَلفِظُ مِن قَولٍ اِلّا لَدَیهِ رَقیبٌ عَتید»، هر کلمه‌ای که از ما صادر میشود، ثبت میشود، ضبط میشود؛ هر حرکت ما، هر اقدام ما، بلکه هر اندیشه‌ی ما و فکر ما. باید با این توجّه کار کنیم؛ شما در کرسی‌های مجلس، هیئت رئیسه‌ی محترم – که به آنها هم تبریک عرض میکنیم که مجدّداً مورد اعتماد نمایندگان قرار گرفتند – در جایگاه ریاست و مدیریّت، و این حقیر در جای خودم، مسئولین دولتی [هم] همین‌جور؛ با این روش باید نگاه کرد.
٤	ادای امانت مسئولیت از طریق شناخت وظایف و تلاش در حد وسع برای عمل به آنها	مسئولین	[هر مسئولیت] امانتی است، این امانت را بایستی ادا کنیم؛ اِنَّ اللهَ یَأمُرُکُم اَن تُؤَدُّوا الاَمانتِ اِلی اَهلِها. ادای امانت هم به این است که آنچه وظیفه‌ی ما است بشناسیم و در حدّ وسع – بیش از آن هم از ما نخواسته‌اند – و توان، برای آن تلاش کنیم و تا جایی که میتوانیم بدویم.
٥	دوری از تعمیم عیوب نظام اسلامی و لزوم تعمیم صدق،حرکت و مبارزه	مردم، خواص و مسئولین	خب حالا میشود نشست یک گوشه‌ای، از این گوشه آن گوشه عیوبی پیدا کرد، اشکالاتی پیدا کرد، اعتراض کرد؛ خب بله، معلوم است، امّا این را تعمیم نباید داد، تعمیم نمیشود داد، آنچه قابل تعمیم است این است: صدق، حرکت، مبارزه. پس نظام با مبارزه به‌وجود آمد، با مبارزه هم باقی ماند.
٦	ادامه مبارزه برای دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی	مسئولین	کار من و شما ادامه‌ی آن مبارزه است، و بدون مبارزه نمیتوانید به آن هدفها دست پیداکنید.

۷	حاکم کردن تفکر درحال مبارزه بودن در همه فعالیت ها	مسئولین	در همه‌ی این صحنه‌ها، چه عرصه‌ی اداره‌ی کشور، چه عرصه‌ی فعّالیّتهای گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و غیره، چه عرصه‌ی سیاست‌گذاری، چه عرصه‌ی تقنین، چه عرصه‌ی مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم؛ در ادامه‌ی مبارزاتی و راهی که به پیدایش نظام و بقای نظام منتهی شد، داریم حرکت میکنیم؛ این را باید بدانیم. این بایستی مثل یک تفکّر گسترده‌ای بر تمام فعّالیّتهای ما حاکم باشد، هر کاری میکنیم، این بایست در ضمن آن ملحوظ باشد. قوای شیاطین عالم برآنند که هر جایی، هر پایگاهی از پایگاه‌های بشری و تمدّن بشری وجود دارد که در خدمت آنها نیست منهدم کنند؛ بنایشان بر این است. می‌بینید دیگر؛ باید در خدمت آنها بود، باید حرف زور آنها و نعره‌ی خشن آنها را شنید و تسلیم آن شد، والّا معارضه میکنند، مبارزه میکنند، دعوا میکنند. باید در مقابل آنها خود را قوی کرد و ایستاد؛ این اساس کار است.
۸	ادامه مبارزاتی که به پیروزی و بقای انقلاب منتهی شد	مجلس	شما در تقنین، دستگاه‌های دولتی در اجرا، مسئولین گوناگون بخشهای مختلف در حوزه‌های مسئولیّت خودشان، باید به این توجّه داشته باشند. این عرض ما است. کار اساسی مجلس ادامه‌ی مبارزاتی است که به پیروزی انقلاب منتهی شد و مبارزاتی که به بقای این انقلاب منتهی شد.

۹	برخورداری از مدیریت جهادی در حوزه تقنین و نظارت	مجلس	ما اوّلِ امسال عرض کردیم «مدیریّت جهادی»؛ این مدیریّت جهادی مخصوص دولت نیست، شامل مجلس هم هست؛ طبعاً در حوزه‌ی کار مسئولیّت خود مجلس، یعنی تقنین و نظارت که عمده‌ترین مسئولیّتهای مجلس است. این مسئولیّتها اگر به‌طور جدّی، به‌دور از انگیزه‌های شخصی، به‌دور از هرچیزی جز انگیزه‌ی خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است؛ کار جهادی یعنی این؛ انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد، اولویّتها را باید نگاه کرد.
۱۰	تکیه بر اقتصاد و فرهنگ و علم در برنامه ششم	مجلس	در برنامه‌ی ششم که در پیش است، روی اقتصاد و روی فرهنگ و روی علم باید تکیه کنید. اقتصاد مقاومتی قدم بلندی است که در این زمینه‌ها میتوان برداشت و دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مدیریّت کشور – چه در مجلس، چه در دولت، چه بخشهای گوناگون – وظایفی در این زمینه دارند.
۱۱	لزوم اقدام عمل در رابطه با سیاست های اقتصاد مقاومتی به جای ستایس و تعریف صرف	مسئولین	از روزی که این سیاستهای اقتصاد مقاومتی اعلام شده است و ذکر آن مکرّر گفته شده است، مسئولین مختلف – دولتی‌ها، مجلس محترم، دستگاه‌های مختلف، مسئولان گوناگون – در مقام حمایت و ستایش از این سیاستهای اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند و مکرّر گفته شده، لکن تجربه‌ی بنده به من میگوید که ستایش کافی نیست؛ تعریف کردن کافی نیست؛ حرکت لازم است. بله، افرادی می‌آیند، می‌نشینند، در منبرهای عمومی یا در جلسات خصوصی از مزایای این اقتصاد مقاومتی مطالبی را بیان میکنند و غالباً هم درست است، امّا خب باید اقدام کرد، عمل کرد.

۱۲	حذف قوانین مزاحم و تصویب قوانین کمک کنده به بخشهای گوناگون اقتصاد مقاومتی	مجلس	فراهم آوردن قوانین مناسب یا حذف کردن قوانین مزاحم – که اهمّیّت این کار دوّم از کار اوّل کمتر نیست؛ بعضی از قوانین حقیقتاً مزاحمند یا معارضند – حذف قوانین معارض و تصویب قوانینی که به بخشهای گوناگون اقتصاد مقاومتی کمک کند، یکی از کارهای مهم است
۱۳	نظارت برعملکرد دولت در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی	مجلس	در زمینه‌ی نظارت هم نظارت برعملکرد دولت که مجری این حرکت بزرگ و وارد در این میدان است، به عهده‌ی مجلس است
۱٤	ارائه لوایح مناسب با اقتصاد مقاومتی به مجلس	دولت	دولت محترم باید لوایح مناسب [با اقتصاد مقاومتی] را بیاورد؛ مجلس نمیتواند صرفاً به طرحها متّکی باشد؛ باید لایحه بیاورند.
۱۵	عدم دخالت در تصویب یا حذف قوانین مربوط به اقتصاد مقاومتی	دستگاههای حاکمیتی غیر از مجلس	هیچ جای دیگری... نمیتواند به جای مجلس در زمینه‌ی تصویب قوانین، در مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی و امثال آن دخالت بکند؛ مجلس است که بایستی قانون را تصویب کند – تشخیص بدهد، و آنچه لازم است تصویب کند – یا قانونی را حذف کند و از دُور خارج کند.
۱٦	مبارزه حقیقی با فساد و جلوگیری از شکل گیری کانون های چرکین	مجلس	یک کار دیگری که در وظایف نظارتی مجلس مهم است، مسئله‌ی مبارزه‌ی حقیقی با فساد است؛ حقیقتاً مبارزه‌ی با فساد [مهم است]. نگذاریم کانونهای چرکین شکل بگیرند که علاج آنها مشکل باشد. اگر نظارت درستی باشد، گاهی اوقات در قدمهای اوّل میشود جلوی یک حرکت خطا و گناه‌آلود را گرفت؛ اگر ما در قدمهای اوّل جلوی آن را نگرفتیم و این بیماری پیشرفته شد و این زخمْ ناسور شد، آن‌وقت علاج آن مشکل میشود، سخت میشود؛ اگر به علاج هم برسد – که بیم این هست که به‌خاطر همین عواقب به علاج نرسد – با سختی و با دشواری و با تحمّل خسارتها خواهد رسید؛ از اوّل جلوی آن را باید گرفت.

۱۷	جلوگیری از کند شدن حرکت علمی کشور و سرعت بخشیدن به آن در برنامه ششم	مجلس	حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمدالله در این سالها، در این ده دوازده سال حرکت خوبی در کشور به‌وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید کُند بشود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملّی و بخش مهمّی از عزّت ملّی و بخش قابل توجّهی از ثروت ملّی به برکت علم به‌دست می‌آید؛ مسئله‌ی علم و تحقیق و پیشرفت در بخشهای گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته‌ی دانش، برای کشور خیلی مهم است. این هم ان‌شاءالله باید در برنامه مورد توجّه قرار بگیرد.
۱۸	جلوگیری از کاهش جمعیت با وجود مراعات بهداشت و سلامت مادران و فرزندان	مجلس	هیچ منافاتی ندارد که ما مراعات بهداشت و سلامت مادران و فرزندان و نوزادان را بکنیم – که خیلی مهم است – در عین حال مراقب باشیم اشتباهی را که قبلاً کردیم، ادامه ندهیم، دنبال نکنیم؛ مسئله‌ی کاهش جمعیّت مسئله‌ی بسیار مهمّی است. برای آن دشمنانی که در اوائل صحبت اشاره کردم، بهترین چیز این است که ایران یک کشوری باشد با بیست سی میلیون جمعیّت که نصف این جمعیّت هم کهن‌سال و میان‌سال و ازکارافتاده باشند؛ این برایشان بهترین چیز است؛ [اگر] برای این برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً میکنند، پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج میکنند؛ ما باید حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد که خب خوشبختانه شنیدم در مجلس دوستان دنبال این قضیّه هستید و امیدواریم که خداوند به شما کمک کند.

بیانات در دیدار
مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی
۱۳۹۳/۳/۶

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

والحمدلله و صلّی الله علی محمّد و آله الطّاهرین و علی صحبه المنتجبین و من اتّبعهم الی یوم الدّین.

مقدمه

تبریک عرض میکنم سالگرد بعثت نبی مکرّم اسلام را – که درواقع بزرگ‌ترین عید بشریّت است – به همه‌ی شما حضّار گرامی؛ برادران عزیز، خواهران عزیز، میهمانان عزیز، سفیران کشورهای اسلامی که در مجلس حضور دارند و به همه‌ی ملّت ایران که نشان دادند پایبند به پیام بعثت پیامبرند و امتحان بزرگ و دشواری را در این راه ملّت ما از خودشان بروز دادند.همچنین تبریک عرض میکنم این روز بزرگ را به همه‌ی ملّتهای مسلمان، به دنیای اسلام و یکایک مسلمانان در هر نقطه‌ی عالم و همچنین به همه‌ی آزادگان عالم؛ آن کسانی که از پیام آزادی و پیام عدالت و پیام انسانیّت و تکریم انسان، احساس هیجان میکنند و از آن لذّت میبرند.

۱.علّت بعثت پیامبر این است که انسانها را به فطرت انسانی برگردانَدو نعمتهای فراموش‌شده الهی را به یاد بیاورَد و خِرَدهای دفن‌شده را مبعوث کند

برادران و خواهران عزیز؛ درباره‌ی بعثت پیامبر سخنان گوناگونی قابل بررسی کردن و گفتن است؛ آنچه امروز برای ما مردم و برای دنیای اسلام لازم است و باید به آن توجّه شود، دو سه نقطه‌ی اصلی است: یکی آن نقطه‌ای است که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) در خطبه‌ی نهج‌البلاغه به آن اشاره فرمود که علّت بعثت پیامبر و پیامبران بزرگ الهی را این‌گونه معرّفی کرده است: لِیَستَأدُوهُم میثاقَ فِطرَتِهِ وَ یُذَکِّروهُم مَنسِیَّ نِعمَتِهِ ... وَ یُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول؛[1] انسانها را به فطرت انسانی و سرشت انسانیّت که همراه با شرف و کرامت است برگردانَد؛ نعمتهای فراموش‌شده‌ی الهی را به یاد آنها بیاورَد و خِرَدهای دفن‌شده را مبعوث کند.

۲.انسانها به برکت خِرَد میتوانند پیام پیامبران را درک کنند؛ دشواری‌های راه نورانی آنها را پشت سر بگذارند و از مفاهیم قرآن بدرستی استفاده کنند

۱ . نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱

انسانها به برکت خِرَد است که میتوانند پیام پیامبران را درک کنند؛ از مشکلات و دشواری‌های راه نورانی پیغمبران نهراسند و آنها را بتوانند پشت سر بگذارند. به برکت عقل و اندیشه و خِرَد است که بشریّت میتواند از مفاهیم قرآن بدرستی استفاده کند.

۲,۱.اگر جامعه اسلامی به همین یک دستور عمل کند و به کارگیری اندیشه و خِرَد را عمومی کند، عمده مشکلات جامعه‌ی اسلامی حل خواهد شد

اگر جامعه‌ی اسلامی به همین یک دستور عمل کند، یعنی نیروی فکر را، به کارگیری اندیشه و خِرَد را در میان خود یک امر رایج و عمومی قرار بدهد، عمده‌ی مشکلات بشر حل خواهد شد؛ عمده‌ی مشکلات جامعه‌ی اسلامی حل خواهد شد.

۲,۲. امروز در نقطه‌ای مسلمانان را قتل عام میکنند و در نقطه دیگر به نام اسلام دخترها را میدزدند ؛ چون پیام اسلام برای مسلمانان جا نیفتاده است

امروز شما نگاه کنید، به نام اسلام در یک نقطه‌ای با انسانهای بی‌گناه رفتار ظالمانه میکنند، در یک نقطه‌ای به‌خاطر اسلام مسلمانان را قتل عام میکنند. در آفریقا در یک مرکزی، در یک کشوری، کسی به‌خاطر مسلمان بودن مورد قتل و تجاوز و ظلم قرار میگیرد. در نقطه‌ی دیگری کسانی به نام اسلام دخترهای مردم را میدزدند و فرار میکنند؛ اینها به‌خاطر این است که پیام اسلام برای مسلمانان جا نیفتاده است.

۲,۲,۱.ما مسلمانها باید با میزان عقل و خِرَد خود و با راهنمایی اندیشه بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبراسلام برسیم

ما مسلمانها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خِرَد خودمان و با راهنمایی اندیشه‌ی بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبراسلام و این پیامها برسیم.

۲,۲,۲.وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم و مجموعه مفاهیم قرآنی را که منظومه کامل برای زندگی انسان است درست ندیدیم، لغزش پیدا می کنیم

وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم، که قرآن کریم فرمود: وَ قالَ الرَّسولُ یرَبِّ اِنَّ قَومِی اتَّخَذوا هذَا القُرءانَ مَهجوراً؛[2] وقتی قرآن را مهجور کردیم، به مفاهیم قرآن درست نگاه نکردیم، مجموعه‌ی مفاهیم قرآنی را که یک منظومه‌ی کامل برای زندگی انسان است، درست ندیدیم، آن‌وقت لغزش پیدا میکنیم، و نیروی خِرَد ما هم نمیتواند فهم درستی از مفاهیم قرآنی پیدا کند.

۳.عمیق‌ترین و خطرناک‌ترین اختلافها، اختلافهای عقیدتی و ایمانی است؛ امروز در دنیا تحریکات عقیدتی، به‌وسیله دستهای استکباری انجام میگیرد

امروز در دنیا دشمنانی به‌صورت علنی با اسلام مقابله میکنند؛ مقابله‌ی آنها در درجه‌ی اوّل با ایجاد اختلاف است. عمیق‌ترین اختلافها و خطرناک‌ترین اختلافها، اختلافهای عقیدتی و ایمانی است. امروز در دنیا، تحریکات ایمانی و عقیدتی برای به جان هم انداختن مسلمانان،

۲ . سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۰۳

به‌وسیله‌ی دستهای استکباری انجام میگیرد. یک عدّه‌ای، عدّه‌ای را تکفیر میکنند؛ عدّه‌ای علیه عدّه‌ی دیگری شمشیر میکشند؛ برادران به جای همکاری با یکدیگر و گذاشتن دست در دست یکدیگر، علیه برادران دست در دست دشمنان میگذارند! جنگ شیعه و سنّی به راه می‌اندازند و تحریکات قومی و طائفی را لحظه به لحظه افزایش میدهند؛ [البتّه] دستهایی که این کارها را میکنند، دستهای شناخته‌شده‌ای هستند.

۳,۱.اگر نیروی خِرَد، چراغ اندیشه و آگاهی به کار بیفتد، دست دشمن را می‌بینیم و انگیزه‌ی دشمن را می فهمیم

اگر نیروی خِرَد، چراغ اندیشه و آگاهی – که قرآن ما را به آن امر کرده است – به کار بیفتد، خب دست دشمن را می‌بینیم، انگیزه‌ی دشمن را میفهمیم.

۳,۲.استکبار برای اینکه به هدفهای خود برسد، مشکلات خود را بپوشاند و تضاد سیاستهای خود در منطقه را حل کند، میان مسلمانان اختلاف می اندازد

امروز در دنیای اسلام برای اینکه دستگاه‌های استکباری به هدفهای استکباری خودشان برسند، برای اینکه مشکلات خودشان را پوشیده و مخفی نگه دارند، در میان مسلمانان اختلاف ایجاد میکنند؛ شیعه‌هراسی به‌وجود می‌آورند، ایران‌هراسی به‌وجود می‌آورند، برای اینکه رژیم غاصب صهیونیستی را محفوظ نگه‌دارند، برای اینکه تضادهایی که سیاستهای استکباری را در این منطقه به شکست کشانده است، به‌نحوی حل کنند؛ راه آن را در این می‌بینند که بین مسلمانها اختلاف بیندازند. خب، این را باید دید، این را باید فهمید؛ انتظار از زبدگان این است، انتظار از نخبگان این است.

۴.آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج می کنند، همان جاهلیّتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن به‌وجود آمد

آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج میکنند، همان جاهلیّتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن – از محیط زندگی بشر – به‌وجود آمد. نشانه‌های همان جاهلیّت، امروز در دنیا، در این تمدّن رایج فاسد غربی، مشاهده میشود؛ همان بی‌عدالتی، همان تبعیض، همان نادیده گرفتن کرامت انسان، همان عمده کردن مسائل جنسی و نیازهای جنسی.

۴,۱. از نشانه‌های جاهلیّت اُولی، تبرّج زنانه است که امروز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدّن غربی است؛ البته با تبلیغات مدرن حقایق را می پوشانند

قرآن کریم خطاب به همسران مکرّم پیغمبر میفرماید: وَ قَرنَ فی بُیوتِکُنَّ وَ لاتَبَرَّجنَ تَبَرُّجَ الجَهلِیَّةِ الاُولَی.[۳] یکی از نشانه‌های جاهلیّت اُولی، تبرّج زنانه است. امروز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدّن غربی، همین تبرّج است؛ این همان جاهلیّت است، منتها جاهلیّتی که توانسته است خود را با سلاح تبلیغات مدرن مجهّز بکند، حقایق را از چشم مردم بپوشاند؛ اینها را باید ما مسلمانها بفهمیم، اینها را باید بدانیم.

۳ . سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۳

۵. امروز دنیای اسلام به روی آوردن به اندیشه، تحلیل کردن درست مسائل، شناخت حقیقی جبهه دشمنان و دوستان امّت اسلامی احتیاج دارد

دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به روی آوردن به اندیشه، روی آوردن به فکر، عادت کردن به اندیشیدن، مسائل را درست فهمیدن، درست تحلیل کردن. دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه‌ی دشمن امّت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم.

۵,۱.گاهی دیده شده مجموعه‌ای از ما مسلمانها با دشمنان خود همدست شدیم برای زدن برادران خود که ناشی از نداشتن بصیرت است

گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمانها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! خب، این به ما لطمه میزند، این امّت اسلامی را دچار آشفتگی میکند، دچار ضعف میکند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است.

۵,۲. امروز دنیای اسلام به بصیرت، تدبّر و اندیشه و به اثاره دفائن عقول احتیاج دارد

امروز دنیای اسلام به این بصیرت احتیاج دارد، به این تدبّر و اندیشه احتیاج دارد، به اثاره‌ی دفائن عقول احتیاج دارد: وَ یُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول.[۴]

۶. نیاز مهمّ دیگر دنیای اسلام اتّحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، سلیقه‌ای و عقیدتی عبور کرد و امّت واحده تشکیل داد

نیاز مهمّ دیگر دنیای اسلام اتّحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، اختلافات سلیقه‌ای، اختلافات عقیدتی عبور کرد و امّت واحده تشکیل داد: اِنَّ هذِهِ اُمَّتُکُم اُمَّةً وَحِدَةً وَ اَنَا رَبُّکُم فَاعبُدون[۵]؛ خدای متعال این‌جور میفرماید. اعتقاد به قرآن، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به کعبه‌ی واحد و قبله‌ی واحد، درمقابل‌داشتنِ جبهه‌ی واحد دشمن، اینها کافی نیست برای اتّحاد دنیای اسلام؟ چرا عدّه‌ای نمیفهمند؟ چرا عدّه‌ای این حقایق روشن را درک نمیکنند؟ هدف آمریکا و جبهه‌ی غربی‌ها از ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی چیست؟ چرا این را فکر نمیکنند؟ رژیم صهیونیستیِ غاصب – که امروز بزرگ‌ترین بلیّه‌ی دنیای اسلام وجود این رژیم است – باید بتواند با آسودگی زندگی کند، بر مشکلات خودش فائق بیاید، بر عوامل نابودکننده‌ای که بحمدالله در ارکان آن رژیم غاصب وجود دارد فائق بیاید؛ این نمیشود مگر اینکه سر مسلمانها را بند کنند، بین آنها اختلاف بیندازند، مسائل کوچک را برای آنها بزرگ کنند.

۶,۱. دشمنان اسلام سعی کردند بیداری اسلامی را سرکوب کنند و یک جاهایی هم سرکوب کردند؛ امّا بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست

به نظر ما بیداری اسلامی به وجود آمده است؛ سعی شد از سوی دشمنان اسلام که این بیداری را سرکوب کنند – و یک جاهایی هم سرکوب کردند – امّا بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست. پرچم اعتزاز به اسلام بلند شده است، برافراشته شده است؛ احساس هویّت

٤ . نهج‌البلاغه خطبه‌ی ۱، «و توانمندی‌های پنهان‌شده‌ی عقلها را آشکار سازند»
۵ . سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۲۹

اسلامی امروز در مسلمانان، در هر نقطه‌ی عالم، نیرومند شده است و نیرومند خواهد شد.

۶,۲.ملّت ایران در این زمینه مسئولیّتهای بزرگی داشته است که انجام داده است و بعد از این هم انجام خواهد داد

ملّت ایران در این زمینه مسئولیّتهای بزرگی داشته است که انجام داده است، بعد از این هم انجام خواهد داد.

۶,۲,۱.ملّت ما با اعتقاد به قرآن و پیام بعثت و با اتّحاد درونی و احساس دلیری در مقابل دشمن و احساس امید به وعده‌ی الهی نصرت، به پیش می رود

ملّت ایران با اعتقاد به قرآن، با اعتقاد به پیام بعثت، با اتّحاد درونی در میان خود، با احساس دلیری در مقابل دشمن و نترسیدن از دشمن، با احساس امید به وعده‌ی الهی نصرت، که وعده‌ی صریح الهی است و فرمود: اِن تَنصُروا اللّهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم؛ [۶] و با این ذخیره‌های رزشمند، به پیش میرود.

۶,۲,۲.ما قدم به قدم پیش رفتیم و در آینده هم سنگرهایی را که برای ادامه مبارزه با ظلم و جهل و بی‌عدالتی لازم است، فتح می کنیم و پیش می رویم

بحمدالله ما یکی پس از دیگری، سنگرهایی را که برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با ظلم و جهل و بی‌عدالتی لازم است داشته باشیم، ان‌شاءالله فتح میکنیم و پیش میرویم. بحمدالله ملّت ایران از توفیق الهی و کمک الهی برخوردار بوده است؛ قدم به قدم پیش رفتیم، مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتیم و پشت سر خواهیم گذاشت؛ به فضل و حول و قوّه‌ی الهی.

۶,۲,۳. امروز دولت ما تازه‌نَفَس و آماده به کار، با احساس اعتزاز به اسلام و مسلمان بودن مشغول کارند و تلاش می کنند

مسئولین با احساس مسئولیّت، در عرصه‌های گوناگون مشغول کارند؛ امروز بحمدالله دولت ما تازه‌نَفَس، آماده‌ی به کار، با احساس اعتزاز به اسلام و مسلمان بودن؛ احساس میکنند به‌خاطر ایمان به خدا دارای عزّتند – که همین هم هست – مشغول کارند و تلاش میکنند.

۷.برسر راه زندگی مشکلات وجود دارد؛ انسانهای دارای خِرَد و تدبیر، مشکلات را به‌خاطر رسیدن به عزّت و کرامت و تقرّب الی‌الله تحمّل میکنند

چالش وجود دارد، مشکلات وجود دارد؛ برسر راه زندگی، این مشکلات هست. اگر زندگی بخواهد عزّتمندانه باشد، انسانهای دارای خِرَد و تدبیر، مشکلات را به‌خاطر رسیدن به عزّت و شرف انسانی و کرامت انسانی و تقرّب الی‌الله تحمّل میکنند.

۷,۱. انسانهای بی‌خِرَد مشکلات را با ذلّت تحمّل می کنند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول کنند، ولایت شیاطین را قبول میکنند

انسانهایی که بی‌خِرَدند همین مشکلات در زندگی آنها هست، آنها را با ذلّت تحمّل میکنند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول کنند، ولایت شیاطین را قبول میکنند: وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللّهِ ءَالِهَةً لِیَکونوا لَهُم عِزّاً، کَلّا سَیَکفُرونَ بِعِبادَتِهِم وَ یَکونونَ عَلَیهِم ضِدّاً؛ [۷]

۶ . سوره‌ی محمّد، بخشی از آیه‌ی ۷

۷ . سوره‌ی مریم، آیات۸۱ و ۸۲

۷,۲.فرمولی که انسانهای بی‌خِرَد انتخاب می کنند، در قرآن کریم رسوا شده‌است؛ آنها به عزت نمی رسند و نابکاران هم از آنها سپاسگزاری نمی کنند

فرمولی که انسانهای بی‌خِرَد، دستگاه‌های بی‌خِرَد، انسانهای غافل در دنیا انتخاب میکنند و اتّخاذ میکنند، این‌جور در قرآن کریم رسوا شده‌است. به جای اینکه به خدا پناه ببرند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول بکنند، به جای اینکه به هدایت الهی چنگ بزنند، به ولایت شیاطین، به ولایت دشمنان اسلام و دشمنان بشریّت متمسّک میشوند برای اینکه برای خودشان عزّت درست کنند، و این عزّت به دست آنها نمی‌آید. آن عبادت شوندگان نابکار هم از آنها سپاسگزاری نخواهند کرد: کَلّا سَیَکفُرونَ بِعِبادَتِهِم وَ یَکونونَ عَلَیهِم ضِدّاً.[۸]این بیان قرآن، بیان روشنی است؛ باید از این بیان درس گرفت، باید راه را درست شناخت، خطّ هدایت قرآنی، انسانها را به سعادت میرساند، بایستی از خدای متعال کمک خواست.

۷,۳.جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز در مواجهه‌ی با دشمنان به وعده‌ی نصرت الهی مستظهر بوده و اعتماد کرده است ؛ لذا پیروز شدیم

بحمدالله نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز در مواجهه‌ی با دشمنان به این وعده‌ی الهی مستظهر[۹] بوده است، اعتماد کرده است؛ به قول الهی و وعده‌ی الهی ما اعتماد کردیم، حسن ظن نشان دادیم؛ مثل بی‌ایمانان و کفّار، سوء ظن به وعده‌ی الهی نشان ندادیم؛ لذا پیروز شدیم. در انقلاب پیروز شدیم، در دفاع مقدّس پیروز شدیم، در مبارزات گوناگون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی بحمدالله تا امروز پیروز شدیم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ این راه ملّت ایران است.

موخره

رحمت خدا بر امام بزرگوار که این راه را به روی ما گشود؛ رحمت خدا بر شهیدان بزرگوار که در این راه جان خودشان را فدا کردند؛ رحمت خدا بر ملّت ایران که در همه‌ی مراحل از خودشان آمادگی نشان دادند؛ و رحمت و تفضّل خدا بر مسئولان ما، دولتمردان ما که در این میدان آماده‌ی برای کار و تلاش و فداکاری‌اند.

و السّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۸ . همان

۹ . پشت گرم و دلگرم

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	فهم درست قرآن و اسلام از طریق میزان عقل و خرد	مسلمانان	ما مسلمانها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خِرَد خودمان و با راهنمایی اندیشه‌ی بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبراسلام و این پیامها برسیم.
۲	دیدن مجموعه مفاهیم قران به عنوان یک منظومه کامل برای زندگی بشر برای دوری از لغزش	مسلمانان	وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم، که قرآن کریم فرمود: وَ قالَ الرَّسولُ یرَبِّ اِنَّ قَومِی اتَّخَذوا هذَا القُرءانَ مَهجورا؛وقتی قرآن را مهجور کردیم، به مفاهیم قرآن درست نگاه نکردیم، مجموعه‌ی مفاهیم قرآنی را که یک منظومه‌ی کامل برای زندگی انسان است، درست ندیدیم، آن‌وقت لغزش پیدا میکنیم، و نیروی خِرَد ما هم نمیتواند فهم درستی از مفاهیم قرآنی پیدا کند.
۳	به کارانداختن درست نیروی خرد و اندیشه برای فهم انگیزه های دشمن	مسلمانان	اگر نیروی خِرَد، چراغ اندیشه و آگاهی – که قرآن ما را به آن امر کرده است – به کار بیفتد، خب دست دشمن را می‌بینیم، انگیزه‌ی دشمن را میفهمیم.

٤	دیدن و فهمیدن اختلاف اندازی استکبار میان مسلمانان به منظور پوشاندن مشکلات و حل تضاد سیاستهای در منطقه	زیدگان و نخبگان مسلمان	امروز در دنیای اسلام برای اینکه دستگاه‌های استکباری به هدفهای استکباری خودشان برسند، برای اینکه مشکلات خودشان را پوشیده و مخفی نگه دارند، در میان مسلمانان اختلاف ایجاد میکنند؛ شیعه‌هراسی به‌وجود می‌آورند، ایران‌هراسی به‌وجود می‌آورند، برای اینکه رژیم غاصب صهیونیستی را محفوظ نگه‌دارند، برای اینکه تضادهایی که سیاستهای استکباری را در این منطقه به شکست کشانده است، به‌نحوی حل کنند؛ راه آن را در این می‌بینند که بین مسلمانها اختلاف بیندازند. خب، این را باید دید، این را باید فهمید؛ انتظار از زیدگان این است، انتظار از نخبگان این است.
٥	روی آوردن به اندیشه، تحلیل درست مسائل، شناخت حقیقی جبهه دشمنان و دوستان امّت اسلامی	دنیای اسلام	دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به روی آوردن به اندیشه، روی آوردن به فکر، عادت کردن به اندیشیدن، مسائل را درست فهمیدن، درست تحلیل کردن. دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه‌ی دشمن امّت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم.
٦	برخورداری از بصیرت،تدبر،اندیشه و اثاره دفائن عقول	دنیای اسلام	امروز دنیای اسلام به این بصیرت احتیاج دارد، به این تدبّر و اندیشه احتیاج دارد، به اثاره‌ی دفائن عقول احتیاج دارد: وَ یُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول.
٧	عبور از اختلافات جزئی،سلیقه ای و عقیدتی و تشکیل امت واحده	دنیای اسلام	نیاز مهمّ دیگر دنیای اسلام اتّحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، اختلافات سلیقه‌ای، اختلافات عقیدتی عبور کرد و امّت واحده تشکیل داد: اِنَّ هذِهِ اُمَّتُکُم اُمَّةً وَحِدَةً وَ اَنَا رَبُّکُم فَاعبُدون

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّةالله فی الارضین. رَبَّنا اغفِر لَنا وَ لاِخوانِنَا الَّذینَ سَبَقونا بِالایمانِ وَ لا تَجعَل فی قُلوبِنا غِلًّا لِلَّذینَ ءامنوا رَبَّنآ اِنَّکَ رَءووفٌ رَحیم، [۱] رَبَّنآ اِنَّکَ ءاتَیتَ فِرعَونَ وَ مَلاَءَهُ زینَةً وَ اَموَلًا... رَبَّنا لِیُضِلّوا عَن سَبیلِکَ رَبَّنا اطمِس عَلی اَموَلِهِم وَ اشدُد عَلی قُلوبِهِم فَلا یُؤمِنوا حَتّی یَرَوُا العَذابَ الاَلیمَ. [۲] قالِ الله الحکیم فی کتابه: اَ لَم تَرَ کَیفَ ضَرَبَ الله مَثَلًا کَلِمَةً طَیِّبَةً کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ اَصلُها ثابِتٌ وَ فَرعُها فِی السَّمآءِ. تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها. [۳]

مقدمه

عرایض خودم را در این روز به‌یادماندنی و مهم، برای شما برادران و خواهران عزیز در سه بخش عرض میکنم: در بخش اول، یک واقعیت مهمی درباره‌ی جمهوری اسلامی وجود دارد که توجه به آن واقعیت برای ما، امروز حائز اهمیت است. در بخش دوم، یک اشاره و شرح توصیفیِ کوتاهی از مکتب ماندگار امام بزرگوارمان عرض میکنم؛ اگرچه درباره‌ی مکتب امام راحل سخن بسیار گفته‌اند و گفته‌ایم و شنیده‌ایم، ولی این توصیف کوتاه در این مقطع برای ما لازم است؛ تصویر کوتاهی از مجموعه‌ی آنچه امام بزرگوار به‌عنوان یک پدیده‌ی بی‌نظیر در دنیای معاصر به‌وجود آورد. بخش سوم، اشاره به دو چالش مهمی است که بر سر راه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی قرار دارد؛ توجه به این دو چالش، برای درست حرکت کردن ما و درست راه پیمودن ما مهم است.

الف) بیان واقعیت مهم کم نشدن اشتیاق مردم کشور ما، دنیای اسلام و فراتر از آن نسبت به دانستن از امام، مسائل انقلاب اسلامی و پیشرفت های آن

۱. ۲۵ سال از رحلت امام میگذرد، ولی اشتیاق برای دانستن از او و مسائل انقلاب اسلامی در کشور ما، دنیای اسلام و فراتر از آن کم نشده است

۱ . سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۰۱.
۲ . سوره‌ی یونس، بخشی از آیه‌ی ۸۸.
۳ . سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ٤٢ و بخشی از آیه‌ی ٥٢.

در بخش اول، آن واقعیتی که به آن اشاره کردم این است که ۲۵ سال از رحلت امام عظیم‌الشأن میگذرد، ولی شور و اشتیاق برای شنیدن درباره‌ی او و دانستن از او کم نشده است؛ مخصوص کشور ما هم نیست، در دنیای اسلام بلکه فراتر از دنیای اسلام، این واقعیت وجود دارد. نه‌تنها در کشور ما – که نسل سوم انقلاب در آن درحال بالیدن است – بلکه در دنیای اسلام، جوانان عصر ارتباطات و عصر اینترنت که با مسائلِ دور از محیط خود براحتی میتوانند ارتباط بگیرند، دنبال این هستند که درباره‌ی مسائل انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و درباره‌ی معمار این بنای عظیم، مطالب بیشتری بدانند. پدیده‌ی مردم‌سالاری دینی، نظریه‌ی ولایت فقیه، مسائلی است که برای محیطهای فکری دنیای اسلام، حائز اهمیت و دارای جاذبه است.

۱,۱.تلاش گسترده دشمنان علیه ما ، حس کنجکاوی را در سراسر دنیا برانگیخته است؛ میخواهند بدانند علت این‌همه دشمنی و لجن‌پراکنی چیست

دشمنان ما تلاش گسترده‌ای را از روزهای اول آغاز کردند و هرچه جلو رفتیم، این تلاش بیشتر شده است؛ از صدها بلکه هزاران ایستگاه تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی استفاده کردند برای دشنام دادن به جمهوری‌اسلامی و به بانی بزرگ آن و به طرف‌داران آن. خود این مطلب به ما کمک کرده است، یعنی حس کنجکاوی را در مستمعان و مخاطبان در سراسر دنیا برانگیخته است؛ میخواهند بدانند که علت این‌همه دشمنی‌کردن و سنگ‌پرانی کردن و لجن‌پراکنی کردن چیست، و آن حقیقتی که آماج این دشمنی‌ها است، چه ماهیتی دارد، چه حقیقتی دارد. بنابراین دشمنان ما به قصد دشمنی نام ما را بردند و درباره‌ی امام ما و نظام ما سخن گفته‌اند، اما «اِنَّهُم یَکیدونَ کَیدًا. وَ اَکیدُ کَیدًا»؛ [۴] این را خدای متعال میفرماید؛ آنها با این نیت، این حرکت وسیع را آغاز کردند اما در نهایت برای ما یک فرصتی به‌وجود آمد، چون حس کنجکاوی مستمعانِ این دستگاه‌ها در سراسر جهان تحریک شد.

۱,۲. بیداری اسلامی در منطقه‌ی ما خود نشانه‌ی این کنجکاوی و پاسخ‌گیری و پاسخ‌یابی است، و این همچنان ادامه دارد

در کشورهای اسلامی و در منطقه‌ی ما بیداری اسلامی – که احساسات ضد استکباری در آن بر هر پدیده‌ی دیگری غلبه داشت – خود نشانه‌ی همان کنجکاوی و پاسخ‌گیری و پاسخ‌یابی است، و این همچنان ادامه دارد.

۱,۲,۱.دشمنان خیال می کنند توانسته‌اند بیداری اسلامی را در منطقه ما سرکوب کنند ، اما این ناشی از خطای راهبردی و غلط تحلیل کردن است

ممکن است دستگاه‌های اطلاعاتی غربی و آمریکایی این‌جور به بزرگ‌ترهای خودشان گزارش کنند که توانسته‌اند بیداری اسلامی را در منطقه‌ی ما سرکوب کنند. اگر این‌جور خیال کنند، این هم یکی دیگر از خطاهای راهبردی و غلط‌تحلیل‌کردن‌های دشمنان ما خواهد بود.

۱,۲,۲.ممکن است بیداری اسلامی برای مدتی، در بخشی سرکوب شود؛ اما ریشه‌کن نخواهد شد؛ چون فهم جوانان مسلمان به راحتی از بین نمی رود

٤ . سوره‌ی طارق، آیات ٥١ و ٦١.

بیداری اسلامی ممکن است برای مدتی، در بخشی از دنیای اسلام سرکوب بشود اما بلاشک ریشه‌کن نخواهد شد؛ گسترش خواهد یافت؛ و این فهم، این ادراک، این دریافت در کشورها و در نسل جوان مسلمان در این منطقه، چیزی نیست که به این آسانی‌ها بتوانند آن را از بین ببرند؛ البته تلاش میکنند، تلاشهایشان ممکن است در بعضی از بخشها برای مدت کوتاهی موفقیت‌آمیز هم به نظر برسد، اما در نهایت ابتر است.

۲.علت کنجکاوی درباره مردم‌سالاری دینی این است که نظام ما در برابر هجوم خشن دشمنان نه تنها از بین نرفت، بلکه روزبه روز پیشرفت کرد

این کنجکاوی که در نسل جوان امروز، در دنیا – بخصوص در دنیای اسلام – درباره‌ی پدیده‌ی مردم‌سالاری دینی وجود دارد، ناشی از این است که جمهوری اسلامی یک پدیده‌ای بود که ۳۵ سال از آغاز ولادت آن گذشت، و در تمام این مدت ۳۵ سال، با واکنش خشن و خصمانه‌ی قدرتهای مسلط دنیا مواجه بود: هم واکنش نظامی نشان دادند، هم واکنش تبلیغاتی نشان دادند، هم واکنش خصمانه‌ی اقتصادی نشان دادند – که از اول انقلاب تحریمها آغاز شد و روزبه‌روز تا امروز تشدید شده است – [هم] واکنش سیاسی نشان دادند؛ این جبهه‌ی پرقدرت غربی، در مقابل جمهوری اسلامی ۳۵ سال است که هر کاری از دستش برآمده، کرده است؛ تلاش نظامی کرده است، به مهاجمِ نظامیِ به کشور کمک کرده است، دشمنان را در هر نقطه‌ای علیه جمهوری اسلامی حمایت کرده است، تبلیغات پرحجم علیه آن به‌کار برده است، تلاش تحریمی و محاصره‌ی اقتصادی را در اعلی درجه‌ی ممکن و بدون سابقه به‌کار برده است، اما در مقابلْ جمهوری اسلامی، دربرابر این‌همه هجمه و این‌همه مخالفت خشن و بی‌ملاحظه، هم از بین نرفت، هم دچار محافظه‌کاری نشد، هم به غرب باج نداد، روزبه‌روز هم کشور پیشرفت کرد؛ این آن چیزی است که ماهیت این کنجکاوی را تشکیل میدهد.

۲,۱.جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف ، اقتدار و قابلیت بقای خود را نشان داد و به غرب باج نداد و به آنها اعتنا نکرد

قدرتهای درجه‌ی یکِ نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، دست‌به‌دست هم بدهند علیه یک کشوری، علیه یک حکومتی، ۳۵ سال تلاش کنند، [ولی] آن حکومت علی‌رغم تلاش آنها، نه فقط از بین نرود، بلکه روزبه‌روز قوی‌تر بشود، به آنها باج هم ندهد، به آنها اعتنا هم نکند. در عرصه‌های مختلف، جمهوری اسلامی اقتدار خود را و قابلیت بقای خود را نشان داد. امروز وقتی به جمهوری اسلامی نگاه میکنند، [می‌بینند] نسل دوم و سومِ انقلاب در این کشور دارای چند میلیون دانشجو، چندین هزار طلبه‌ی علوم دینی فاضل، چندین هزار پژوهشگر و محقق، چند ده هزار استاد دانشگاه و حوزه، هزاران نخبه‌ی علمی و فکری که بعضی از آنها در عرصه‌ی بین‌المللی نام‌آور و شناخته شده‌اند، هزاران فعال و نخبه‌ی سیاسی و فرهنگی و تولیدی و اقتصادی؛ واقعیت جامعه‌ی ما امروز این است.

۲,۲.هر انسان آگاهی به کنجکاوی می‌افتد که این موجود چیست که با این‌همه دشمنی، در زمینه مسائل علمی و فناوری پیشرفت کرده است

جمهوری اسلامی در میدان علم و فناوری، با وجود همه‌ی این تحریمها، ماهواره به فضا میفرستد، موجود زنده به فضا میفرستد و برمیگرداند، انرژی هسته‌ای تولید میکند، در بسیاری از دانشهای نوپدید جزو ده کشور اول دنیا قرار میگیرد، شتاب پیشرفت علم

در جمهوری اسلامی از سوی مراکز مسئول این کار در دنیا سیزده برابر متوسط دنیا اعلام میشود، خدمات علمی و فنی به کشورهای مختلف صادر میکند، با وجود تحریمهای بی‌سابقه یک کشور ۷۵ میلیونی را اداره میکند، در سیاستهای منطقه حرف اول را میزند، در مقابل رژیم غاصب و مورد حمایت زورگویان عالم یک‌تنه می‌ایستد، با ظالم نمیسازد و از مظلوم دفاع میکند؛ هر انسان آگاهی به کنجکاوی می‌افتد که این موجود چیست، این پدیده چه پدیده‌ای است با این‌همه دشمنی، و این‌همه توانایی‌های ذاتی و نشانه‌های حیات و بقا؛ ماهیت این کنجکاوی این است. این حالا در زمینه‌های مسائل علمی و فناوری و مانند اینها.

۲.۳.جلوه بالای مردم‌سالاری ما عبارت است از: برگزاری ۳۲ انتخابات در طول ۳۵ سال و دو پدیده بی نظیر راهپیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس

در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، جلوه‌ی بالای مردم‌سالاری در این کشور که ۳۵ سال است از انقلاب ما گذشته است، و در طول این ۳۵ سال، ۳۲ انتخابات داشتیم؛ ۳۲ انتخابات سراسری در این کشور به‌وجود آمده است؛ این شوخی است؟ یک نمونه‌ی بی‌نظیر [است]؛ انتخابات‌های جمهوری اسلامی با مشارکتهای بالا – بالاتر از متوسط و میانگین جهانی و بعضاً بسیار بالاتر؛ شرکت ۷۰ درصدی، ۷۲ درصدی؛ انتخابات‌های ما از این قبیل است – جلوه‌ی مردم‌سالاری[است]. نمونه‌ی بی‌نظیر دیگر دو پدیده‌ای است که ما مردم، با آنها عادت کرده‌ایم اما برای یک ناظر جهانی فوق‌العاده جذاب و مهم است، و آن عبارت است از راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن و راه‌پیمایی روز قدس در ماه رمضان. جشن انقلاب را مردم به‌طور مداوم، هرسال تا این ۳۵ سال گرفته‌اند، با یک راه‌پیمایی عظیمِ پرشورِ پرشکوه در روزهای سرد پایان بهمن.

۲,۳,۱.عظمت این راهپیماییها به چشم ما نمی‌آید اما برای ناظر جهانی بسیار خیره‌کننده بوده و عوامل جذابیتی است که کنجکاوی‌ها را تحریک میکند

ما عادت کرده‌ایم و اهمیت موضوع و عظمت موضوع به چشممان نمی‌آید اما ناظر جهانی، اینها را میبیند و برای او بسیار خیره‌کننده است؛ اینها عوامل آن جذابیتی است که کنجکاوی‌ها را تحریک میکند و راه نویی را به ذهنهای علاقه‌مندان و افرادی که اهل سؤال و استفسار و تحقیقند، ارائه میدهد. این واقعیت مهم دوران ما است که عبارت است از توجه و کنجکاوی عمومی در دنیای اسلام از سوی جوانها، روشنفکران، آگاهان و کسانی که اهل فهم مسائلند، نسبت به این پدیده‌ای که در کشور ایران اسلامی، به توفیق الهی و به تأیید الهی تحقق یافته است و روزبه‌روز رشد کرده است. این مطلب اول.

ب)شرح توصیفی کوتاه از مکتب ماندگار امام خمینی و نقشه اصلی معمار کبیر انقلاب در بنای نظم جدید سیاسی ـ مبنایی

۱.آنچه درباره امام بزرگوارمان گفته‌ایم، اغراق نیست، بخشی از واقعیت است؛ امام بیش از آنچه توصیف کرده‌ایم، دارای مضمون و معنا و مغز بود

این واقعیت، ساخته و پرداخته‌ی دست معمار بزرگ است. درباره‌ی امام خیلی حرف زده‌ایم، شاید بعضی‌ها خیال کرده‌اند ما با

اغراق و مبالغه حرف میزنیم؛ ولی نه، آنچه درباره‌ی امام بزرگوارمان گفته‌ایم، نه اغراق است، نه مبالغه است؛ بخشی از واقعیت است؛ بیش از آنچه توصیف کرده‌ایم و توانسته‌ایم ارائه بدهیم، امام بزرگوار و عزیز ما دارای مضمون و معنا و مغز بود. آنچه در اختیار ملت ایران و در معرض دید و فکر ملتها در سراسر عالم است، ساخته و پرداخته‌ی آن دست توانا است.

۲. انقلاب اسلامی ساخته و پرداخته‌ی دست معمار بزرگ است؛ لذا ما برای اینکه راه را درست برویم، باید نقشه‌ی معمار را بدانیم

ما برای اینکه راه را درست برویم، باید نقشه‌ی معمار را بدانیم. اگر در یک بنای متعارف معمولی، نقشه در اختیار نباشد، نقشه‌ی اصلی معلوم نباشد، سازندگان و بنایان هرچه هم چیره‌دست باشند، ممکن است اشتباه کنند؛ باید نقشه‌ی اصلی را دانست تا بتوان براساس آن نقشه‌ی اصلی، اگر هنری در سازندگی و در احیاء هست، آن را به‌کار برد.

۲,۱.نقشه‌ی او نقشه‌ای نبود که فقط از ذهن انسان صادر شود، قطعاً مؤیدمن‌عندالله بود؛ خود امام بزرگوار این را می دانست و به آن معترف بود

نقشه‌ی او نقشه‌ای نبود که فقط از ذهن انسان صادر بشود، قطعاً مؤیدمن‌عندالله بود؛ خود امام بزرگوار این را میدانست و به آن معترف بود؛ خود او میگفت آنچه پیش آمده است با دست قدرت الهی است و درست فهمیده بود و چشم بصیر و بینای او درست دیده بود. ما مواظب باشیم؛ آن نقشه را بشناسیم تا بتوانیم راه را ادامه بدهیم.

۲,۲.برای اینکه به اهداف انقلاب برسیم، باید راه را گم نکنیم؛ برای گم نکردن راه هم باید نقشه اصلی و اساسی جلوی چشم ما باشد وآن را بدانیم

اگر نقشه را ندانستیم، زاویه پیدا میکنیم؛ وقتی زاویه پیدا شد، روزبه‌روز هرچه پیش برویم، از راه اصلی و صراط مستقیم دور میشویم؛ وقتی از صراط مستقیم دور شدیم، از هدفها دور میشویم، به هدفها نمیرسیم؛ برای اینکه به هدف برسیم، باید راه را گم نکنیم؛ برای اینکه راه را گم نکنیم، باید نقشه‌ی اصلی و اساسی، جلوی چشم ما باشد، آن را بشناسیم و بدانیم.

۲,۳.نقشه‌ی امام و کار اصلی ایشان، بنای یک نظم مدنی – سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود

نقشه‌ی امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی – سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود.

۲,۳,۱.مقدمه‌ی بنای نظام اسلامی این بود که نظام پادشاهی فاسد ، وابسته و دیکتاتور ریشه‌کن شود

مقدمه‌ی لازم این کار، این بود که نظام پادشاهی – که هم فاسد بود، هم وابسته بود، هم دیکتاتور بود؛ این سه خصوصیت در نظام پادشاهی وجود داشت: هم دچار فساد بود، فسادهای گوناگون اخلاقی و مالی و غیره؛ هم وابسته‌ی به قدرتها بود، یک روز وابسته‌ی به انگلیس، یک روز وابسته‌ی به آمریکا، حاضر بود منافع خود را و کشور را در مقابل منافع بیگانگان فراموش کند؛ و هم دیکتاتور بود، مستبد بود، رأی مردم، خواست مردم برای نظام پادشاهی مطرح نبود؛ هرکدام از اینها یک فصلِ بلند است، یک کتاب است

–[ریشه‌کن شود]؛ مقدمه‌ی آن کار بزرگی که امام میخواست انجام بدهد، ریشه‌کن کردن این نظام فاسدِ وابسته‌ی دیکتاتور بود؛ همت را بر این گماشت و نظام ریشه‌کن شد.

۲,۳,۲.مسئله این نبود که نظام پادشاهی برود و به جای آن پادشاهی یا شبه‌پادشاهی بنشیند؛ باید خصوصیاتی که نظام پادشاهی داشت ریشه‌کن می شد

در کشور ما مسئله این نیست که نظام پادشاهی برود، به جای او نظام پادشاهی یا شبه‌پادشاهیِ دیگری بنشیند؛ مسئله این است که آن خصوصیاتی که نظام پادشاهی داشت باید ریشه‌کن میشد و امام بزرگوار ریشه‌کن کرد؛ سخنان امام، رهنمودهای امام، رفتار امام همه در این‌جهت است.

۲,۴.در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکته‌ی اساسی وجود دارد که به یک معنا دو روی یک حقیقت است:

در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکته‌ی اساسی وجود دارد که این دو نکته به هم پیوند خورده است؛ به یک معنا دو روی یک حقیقت است:

۲,۴,۱.یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت باید در چهارچوب شریعت اسلامی باشد

یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت – که خود از اسلام سرچشمه گرفته بود و هرآنچه ناشی از حرکت مردم‌سالاری و سپردن کار به مردم است – باید در چهارچوب شریعت اسلامی باشد. این، دو بخش است، یا با یک نگاه، دو بُعد از یک حقیقت است.

۲,۴,۲.گمان نشود امام مردم‌سالاری را از فرهنگ غربی گرفت و با تفکر اسلامی قاطی کرد؛ نه، این جزو دین است، لذا شریعت اسلامی چهارچوب است

افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه‌ی به آراء مردم، جزو دین نمیبود و از شریعت اسلامی استفاده نمیشد، امام هیچ تقیدی نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان میکرد. این جزو دین است، لذا شریعت اسلامی چهارچوب است؛ در همه‌ی قانونگذاری‌ها و اجراها و عزل‌ونصب‌ها و رفتارهای عمومی که تابع این نظام سیاسی و مدنی است، باید شریعت اسلامی رعایت بشود.

۲,۴,۳.نظام اسلامی متکی به این دو پایه است؛ یعنی گردش کار به‌وسیله مردم‌سالاری است و التزام به شریعت اسلام، روح و حقیقت نظام است

و گردش کار در این نظام به‌وسیله‌ی مردم‌سالاری است؛ یعنی آحاد مردم نماینده‌ی مجلس را انتخاب میکنند، رئیس‌جمهور را انتخاب میکنند، وزرا را با واسطه انتخاب میکنند، خبرگان را انتخاب میکنند، رهبری را با واسطه انتخاب میکنند؛ کار، دست مردم است؛

این، پایه‌ی اصلی حرکت امام بزرگوار است. این بنای عظیمی که این بزرگوار گذاشت، متکی به این دو پایه است. التزام به شریعت اسلامی، روح و حقیقت نظام اسلامی است؛ این را توجه داشته باشند.

۲,۴,۴.اگر شریعت اسلامی به‌طور کامل اجرا شود تحقق عناصر اصلی در نظم جامعه اسلامی یعنی آزادی، استقلال، عدالت و معنویت تضمین می شود

شریعت اسلامی اگر در جامعه به‌طور کامل اجرا بشود، هم آزادی‌های عمومی و مدنی را – آزادی افراد را، آزادی فردی را – تأمین میکند، هم آزادی ملت را که اسم آن استقلال است – استقلال یعنی آزادی در ابعاد یک ملت، که وابسته‌ی به کسی و به جایی نباشد؛ یک ملت آزاد یعنی ملتی که به‌هرصورت تحت نفوذ و سیطره‌ی مخالفین خود یا دشمنان خود یا بیگانگان قرار ندارد – تضمین میکند، [هم] عدالت را در جامعه تضمین میکند، هم معنویت را تضمین میکند؛ این چهار عنصر اصلی است: آزادی، استقلال، عدالت، معنویت. اگر شریعت اسلامی بر جامعه حاکم شد، این پدیده‌های اساسی در نظم جامعه‌ی اسلامی، خود را نشان میدهند. بنابراین امام بزرگوار ما شریعت اسلامی را که روح جمهوری اسلامی است، مورد تکیه قرار داده است؛ مردم‌سالاری دینی را هم که یک وسیله و ابزار است که آن هم متخَذ از شریعت است، مورد تکیه قرار داده.

۲,۵.در مکتب امام هیچ غلبه‌ای که از تغلب و اِعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست؛ بلکه قدرت و اقتدارِ برخاسته از انتخاب مردم معنا دارد

هیچ قدرت و غلبه‌ای در مکتب امام که از تغلب و از اِعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدارِ برخاسته‌ی از اختیار مردم و انتخاب مردم؛ آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعتِ اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد.

۲,۵,۱.کسی نباید در مقابل قدرتی که از انتخاب مردم به‌وجود آمد، قهر و غلبه‌ای به کار ببرد؛ اگر چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است

آن قدرتی که از انتخاب مردم به‌وجود آمد، محترم است؛ در مقابل آن، کسی نبایستی سینه سپر بکند، در مقابل او کسی نباید قهر و غلبه‌ای به کار ببرد که اگر یک چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است؛ این آن نسخه‌ی جدیدی است که امام بزرگوار ما به دنیا عرضه کرد و به ادبیات سیاسی عالم این فصل مهم را افزود.

۲,۶.یکی از عناصر اصلی نسخه جدید نظم سیاسی مبنایی امام، به کمک مظلوم شتافتن و با ظالم مقابله کردن، نفی دست‌اندازی‌ها و شکستن ابهت اوست

در این نسخه‌ی جدید، یکی از عناصر اصلی – همان‌طور که اشاره کردیم – به کمک مظلوم شتافتن و با ظالم مقابله کردن است؛ به کمک مظلوم باید رفت که در دوره‌ی ما، در زمان ما، مصداق اتم مظلومیت ملت فلسطین بود که شما دیدید امام بزرگوار از روز اول تا آخر

عمر، راجع به فلسطین تأکید کرد، تکیه کرد، حمایت کرد و وصیت کرد که این مسئله را ملت ایران و مسئولان کشور فراموش نکنند؛ کمک به مظلوم و ایستادگی در مقابل ظالم، نفی دست‌اندازی‌های ظالم، انکار صریح هیبت و ابهت ظالم و شکستن این ابهت؛ این هم یکی از بخشهای این نظام و این نسخه‌ی جدیدی است که امام بزرگوار ما عرضه کرد.

۳.نسخه امام مثل خیلی از حرفهای سیاسی، در کتابها نماند؛ در واقعیت تحقق و تبلور پیداکرد؛ ملت ایران هم فداکاری کردند و این را حفظ کردند

این یک خلاصه‌ای و یک تصویر کوتاه و توصیف کوتاهی است از مجموعه‌ی آن نظم سیاسی و مبنایی‌ای که امام بزرگوار ما پس از فروپاشی نظام پادشاهی به کشور آورد، عرضه کرد، مورد قبول قاطع مردم قرار گرفت، و تحقق پیداکرد؛ و این نسخه مثل خیلی از حرفهای سیاسی، در کتابها نماند؛ آمد در واقعیت، تحقق پیداکرد، تبلور پیداکرد؛ ملت ایران هم همت کردند، وفاداری نشان دادند، فداکاری کردند، این را حفظ کردند، نگه داشتند، و روزبه‌روز قوی‌تر کردند تا به امروز رسیده است.

ج) بیان چالش های دورنی و بیرونی انقلاب اسلامی

۱. امام در کارخود به توفیق کامل رسید؛ اما پر شدن بخش های خالی این جدول اجتماعی تاریخی به همت ما و مراعات آن خط روشن بستگی دارد

خب، پس امام موفق شد؛ امام در آن کاری که میخواست انجام بدهد، به توفیق کامل دست پیداکرد، [اما] آیا این کار بزرگ ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا بخشهای خالی این جدول – که به‌طور طبیعی بخشهای خالی‌ای در این جدولهای اجتماعی و تاریخی قرار دارند – پُر خواهد شد؟ این بستگی دارد به اینکه من و شما چقدر همت کنیم؛ ما چقدر آگاهی نشان بدهیم؛ ما چقدر آن خط روشن را مراعات کنیم و در آن خط روشن حرکت بکنیم.

۱,۱.با تجربه ۳۵ ساله و حرکت موفق و سِیر مستمری که ملت ایران نشان داده است ، ادامه این راه ممکن است

بله، کاملاً ممکن است؛ با این ملتی که ما داریم مشاهده میکنیم، با این تجربه‌ای و این حرکت موفق و سِیر مستمری که در این ۳۵ سال – و بعد از رحلت امام در این ۲۵ سال – این ملت نشان داده است، بله، ادامه‌ی این راه ممکن است؛ خانه‌های خالی پُر خواهد شد، کارهای بزرگ انجام خواهد گرفت، و این ملت به اذن‌الله و به حول و قوه‌ی الهی به اوج قله‌ها خواهد رسید.

۲.این راه،چالشها و موانعی هم دارد؛ اگر موانع را نشناختیم، عبور از آنها دشوار یا حتی غیر ممکن خواهد شد

اما این راه، مثل همه‌ی راه‌های مهم که به سمت هدفهای بزرگ کشیده شده است، چالشهایی هم دارد، موانعی هم دارد؛ این موانع را باید بشناسیم تا بتوانیم از آنها عبور کنیم. اگر مانع را نشناختیم، عبور از مانع یا دشوار خواهد شد، یا حتی غیر ممکن خواهد شد.

۲,۱.باید جوانان ، فرزانگان و زبدگان فکری ما، روی هرکدام از سرفصل‌های موانع فکر و مطالعه و بحث کاربردی و عملیاتی و ناظر به واقعیت کنند

بنده امروز دارم اینها را به شما حضار محترم این مجلس عظیم و باشکوه و در واقع به ملت ایران که این سخنان را خواهند شنید عرض میکنم، اما باید جوانان ما، فرزانگان ما، زبدگان فکری ما، روی هرکدام از این سرفصل‌ها و بخشها بنشینند فکر کنند، کار کنند، مطالعه کنند؛ نه‌فقط بحثهای ذهنیِ شبه‌روشنفکری، [بلکه] بحثهای کاربردی، بحثهای عملیاتی، بحثهای ناظر به واقعیت. اینهایی که ما عرض میکنیم سرفصل‌هایی است برای کارهای فکری که ان‌شاءالله به‌وسیله‌ی جوانان ما – که از ما خیلی بهترند، خیلی آماده‌ترند – دنبال خواهد شد.

من دو چالش را عرض میکنم: یک چالش بیرونی، یک چالش درونی.

۳.چالش بیرونی ما مزاحمتهای استکبار جهانی وآمریکا است که سنگ‌اندازی می کنند؛ لذا نقشه کار آمریکا را باید شناخت

چالش بیرونی ما مزاحمتهای استکبار جهانی است؛ بی‌رودربایستی حرف بزنیم، مزاحمتهای آمریکا است؛ سنگ‌اندازی میکنند. درست است که شاید در تحلیل‌های بعضی از متفکران سیاسیِ خودشان هم این هست که میگویند فایده‌ای ندارد، نمیشود با این حرکت عظیم مقابله کرد؛ لکن سنگ‌اندازی میکنند. نقشه‌ی کار آنها را باید دانست.

۳,۱.نقشه کلان و لو رفته‌آمریکا این است که کشورها، جریانها و آدمهای دنیا را به سه قِسم تقسیم می کند:

این نقشه‌ی لو رفته‌ی آمریکا است؛ این نقشه‌ی کلان آمریکا است که امروز در خلال بحثها و گزارشها و اظهارنظرها و رفتارهای آنها لو رفته است: آمریکا کشورهای دنیا، جریانهای دنیا، آدمهای دنیا را به سه قِسم تقسیم میکند:

۳,۱,۱. قِسم اول، کشورها ، جریانهای سیاسی و اجتماعی و آدمهای گوش‌به‌فرمان و سرسپرده هستند

یک قِسم گوش‌به‌فرمانها، کشورهای گوش‌به‌فرمان، جریانهای سیاسی و اجتماعی گوش‌به‌فرمان یا آدمهای گوش‌به‌فرمان، یک عده اینها هستند؛

۳,۱,۲. یک عده کشورهای مستقلی هستند که گوش‌به‌فرمان نیستند، اما باید با آنها مدارا کرد و منافع مشترکی تعریف کرد تا فعلا با آنها کنار آمد

یک عده کشورهایی که گوش‌به‌فرمان نیستند، اما باید با آنها مدارا کرد، بعضی از کشورها، بعضی از شخصیت‌ها، بعضی از جریانها به نظر آمریکا این‌جوری هستند که باید با آنها مدارا کرد، منافع مشترکی [با آنها] تعریف کرد، یک‌جوری با آنها فعلاً کنار آمد، که حالا بعد توضیح عرض میکنم؛

۳,۱,۳. قِسم سوم کشورهای نافرمان هستند، آنهایی که زیر بار آمریکا نمی روند، گستاخی نشان داده و باج به آمریکا نمی دهند

قِسم سوم کشورهای نافرمان، آنهایی که زیر بار آمریکا نمیروند، باج به آمریکا نمیدهند، یک دسته هم اینها هستند. به نظر آمریکایی‌ها همه‌ی کشورهای دنیا، همه‌ی جریانهای سیاسی و اجتماعی و مدنی و اقتصادی عالَم و همه‌ی آدمها و شخصیت‌های برجسته و ممتاز و نشان‌دار عالَم از این سه قِسم خارج نیستند: یا سرسپرده‌اند و گوش‌به‌فرمانند، یا مستقلی هستند که باید با آنها مدارا کرد، و یا

اینکه نافرمانند و دلیری نشان میدهند و گستاخی نشان میدهند که جوری دیگر باید با آنها رفتار کرد.

۳,۲.سیاست آمریکا با دسته اول حمایت کامل است؛ در عین حال از آنها همه‌جور سواری و خدمت می‌گیرند

سیاست آمریکایی‌ها با آن دسته‌ی اول حمایت کامل است؛ البته حمایت مفت و مجانی نیست، حمایت میکنند و آنها را میدوشند؛ در واقع از توانایی‌های آنها و از امکانات آنها به نفع منافع خودشان، برای تأمین منافع خودشان استفاده میکنند؛ از آنها سواری میگیرند، از آنها همه‌جور خدمت را میگیرند، همان‌طور که عرض کردیم آنها را میدوشند، اهمیتی هم نمیدهند.

۳,۲,۱. البته از رفتار زشت آنها در عرف جهانی، دفاع و توجیه میکنند؛ مثلاً به کشورهای مستبد این دسته به جای دیکتاتور، پدرسالار می گویند

البته اگر چنانچه رفتاری از آنها سر زد که در عرف جهانی زشت بود، آن رفتار را هم محکوم نمیکنند، از آن دفاع هم میکنند، آن‌را توجیه هم میکنند؛ مثلاً کشورهای مستبدی وجود دارند که با نظامهای ارتجاعیِ بشدت استبدادی اداره میشوند، با آمریکایی‌ها خوبند، به آمریکایی‌ها بار میدهند و در خدمت آمریکا حاضرند، سرسپرده‌اند، جزو گروه اولند؛ آمریکایی‌ها وقتی میخواهند اینها را توصیف بکنند، نمیگویند کشورهای دیکتاتور، میگویند اینها کشورهای پدرسالارند! دیکتاتوری آنها را پنهان میکنند، میگویند اینها دیکتاتور نیستند، پدرسالارند. پدرسالار در نظام سیاسی یعنی‌چه؟ معنای آن چیست؟ کشوری که در آن نه مجلسی وجود دارد، نه انتخاباتی وجود دارد، نه قدرت حرف‌زدنی وجود دارد، نه قلم آزادی وجود دارد، نه بیان آزادی وجود دارد و اندک تخلفی از خواسته‌های حاکم، با شدت و حِدت و خشونت سرکوب میشود؛ این کشور کشور پدرسالار است؟

۳,۲,۲ به همین خاطر در مقطعی که صدام سرسپرده آنها و علیه نظام متمرد جمهوری اسلامی بود، حمایتهای لازم را کردند و در خدمت او قرار گرفتند

صدام‌حسین در یک بخشی از زندگی، جزو این سرسپرده‌ها و گوش‌به‌فرمان‌ها بود؛ در آن مدت همه‌ی حمایتهای لازم را از او کردند، در خدمت او قرار گرفتند، به او سلاح شیمیایی دادند، نقشه‌های تحرکات نظامی ما را که با ماهواره‌ها کشف میشد در اختیار او گذاشتند، نقشه‌ی جنگی دادند؛ چون در خدمت آنها بود، علیه نظام متمرد جمهوری اسلامی بود، که نظام جمهوری اسلامی جزو گروه سوم است. یک دسته اینها هستند.

۳,۳.آمریکا فعلا نسبت به دسته دوم منافع مشترکی تعریف می کند؛ اما وقتی که فرصتی پیدا کرد، خنجر را از پشت به قلب آنها می کوبد

دسته‌ی دوم، گفتیم کشورهایی هستند که سیاست آمریکا و نقشه‌ی آمریکا مدارای با آنها است. مدارا یعنی‌چه؟ یعنی فعلاً منافع مشترکی با آنها تعریف میکند، آنها را در کنار خود قرار میدهد، اما آن‌وقتی که فرصتی پیدا کرد، خنجر را از پشت به قلب آنها میکوبد و قلب آنها را میدرد؛ ملاحظه‌ی آنها را هم نمیکند.

۳,۳,۱. آمریکا نسبت به کشورهای اروپایی تا آنجا که بتواند لگد میزند و از شخص اول کشورِ هم‌پیمان خود جاسوسی اینترنتی می کند

مثل چه کشورهایی؟ مثل کشورهای اروپایی؛ امروز وضع کشورهای اروپایی این‌جوری است. آمریکا با اینها مدارا میکند، نه به معنای اینکه منافع آنها را رعایت میکند؛ نه، آنجایی که بتواند لگد هم میزند؛ از شخص اول کشورِ هم‌پیمان خود جاسوسی اینترنتی هم میکند،[۵]جاسوسی به‌وسیله‌ی تلفن همراه هم میکند، از زندگی خصوصی او جاسوسی میکند، اِبایی هم ندارد؛ وقتی هم که کشف میشود، میگوید که بله، ببخشید، این کار شد دیگر، چاره‌ای نبود، انجام گرفت! حاضر نیستند عذرخواهی درست و حسابی هم بکنند.

۳,۳,۲. فهم بنده از مسائل سیاست این است که اروپایی‌ها در یک خطای بزرگ راهبردی قرار دارند که خودشان را در خدمت آمریکا قرار داده‌اند

فهم بنده از مسائل سیاست این است که اروپایی‌ها در یک خطای بزرگ راهبردی قرار دارند که خودشان را در خدمت آمریکا قرار داده‌اند. منافع آمریکا را رعایت میکنند، آمریکا منافع آنها را رعایت نمیکند و نخواهد کرد؛ تا آخر هم همین‌جور است. این هم دسته‌ی دوم.

۳,۴. آمریکا علیه دسته سوم از هر وسیله ممکن استفاده می کند؛ لذا اگر علیه آنها حمله نظامی نمیکند به این خاطر است که نمیتواند

دسته‌ی سوم کشورهایی هستند که زیر بار آمریکا نمیروند؛ سیاست آمریکا، درباره‌ی اینها این است که از هر وسیله‌ی ممکن باید علیه این کشورهای نافرمان استفاده کرد؛ از هر وسیله‌ی ممکن؛ هیچ حدومرزی نمیشناسند. اگر شما دیدید کشوری در مقابل آمریکا نافرمان است و آمریکا مثلاً حمله‌ی نظامی نمیکند یا تحریم نمیکند، بدانید یک اشکالی آنجا وجود دارد؛ یعنی مانعی بر سر راه وجود دارد؛ به زبان ساده، نمیتواند انجام بدهد که انجام نمیدهد؛ اگر بتواند، انجام میدهد. تنها جرم این کشور نافرمان هم این است که در مقابل آمریکا حاضر به تسلیم نیست، حاضر نیست باج بدهد، حاضر نیست منافع او را بر منافع خودش مقدم بدارد؛ این میشود کشور نافرمان. آمریکایی‌ها برای اینکه این کشور را به زانو دربیاورند، از هیچ کاری فروگذار نمیکنند؛ هر کاری برایشان ممکن باشد انجام میدهند؛ اگر کاری انجام ندهند به‌خاطر نتوانستن است. خب، حالا این کارهایی که آمریکایی‌ها انجام میدهند چیست؟ امروز حمله‌ی نظامی از نظر آمریکایی‌ها یک اولویت نیست؛ فهمیدند که در قضیه‌ی عراق و در قضیه‌ی افغانستان که تهاجم نظامی کردند، ضرر کردند؛ فهمیدند که تهاجم نظامی همان اندازه‌ای که برای کشور موردِ تهاجم موجب خطر است، گاهی همان اندازه و گاهی بیشتر برای کشور هجوم‌کننده و حمله‌کننده ممکن است موجب خطر باشد؛ این را درست فهمیدند. لذا میتوان گفت از حمله‌ی نظامی و حرکات نظامی منصرفند؛ راه‌های دیگری دارند.

۳,۴,۱. یکی از راه‌های آمریکایی علیه دسته سوم این است که پیشبرد هدفهای خود در کشور مورد نظر را به عناصر داخلیِ همان کشور واگذار می کنند

یکی از راه‌ها این است که پیشبرد هدفهای خودشان را در آن کشور مورد نظر – که آماج دشمنی آنها است – به عناصر داخلیِ همان کشور بسپرند. مسئله فقط مسئله‌ی ایران اسلامی و جمهوری اسلامی نیست؛ در همه‌جای دنیا اینها این کارها را میکنند و ما نمونه‌های

۵. کشور آلمان.

آن را داریم مشاهده میکنیم.

۳,۴,۲. یکی از راه ها این است که کسانی را تقویت کنند تا از طریق کودتا، نظام و دستگاه دولتی که در مقابل آنها تسلیم نمی شود، از سر راه بردارند

یا به‌وسیله‌ی کودتا؛ کسانی را تقویت کنند که در کشور، کودتا راه بیندازند و آن نظامی را و دستگاه دولتی و سیاسی‌ای را که در مقابل آنها تسلیم نمیشود، با کودتا از سر راه بردارند؛ یکی از راه‌ها این است.

۳,۴,۳. راه دیگر کشاندن بخش ازمردم به خیابانها است؛چرا باید مسئول آمریکایی در تظاهرات یک عده اقلیت در یک کشور اروپایی شرکت کند؟

یکی از راه‌ها کشاندن بخشی از مردم به خیابانها است که این انقلابهای رنگی که در جای‌جای این منطقه در این چند سال اخیر به‌وجود آمد، از این قبیل است. یک دولتی می‌آید سرِ کار؛ بالاخره هر دولتی که سرِ کار می‌آید ممکن است اگر با شصت درصد آراء مردم هم آمده باشد، چهل درصد به او رأی نداده باشند؛ آمریکایی‌ها میروند سراغ آن چهل درصد، عناصر و لیدرهایی را در بین آنها انتخاب میکنند، با تطمیع، با پول، با تهدید، آنها را وادار میکنند که آن چهل درصد یا بخشی از آن چهل درصد را به خیابانها بکشانند. همین انقلابهای رنگی، این انقلاب نارنجی، انقلاب کجا در کشورهای مختلف که در این چند سال دیده شد، دست آمریکایی‌ها پشت این کار بود.

ما هیچ قضاوتی در مورد حوادثی که این روزها در منطقه‌ای[۶] از اروپا در جریان است نمیخواهیم بکنیم، اما انسان وقتی نگاه میکند، میبیند که سناتور آمریکایی، مسئول آمریکایی[۷]در تظاهرات یک اقلیتی علیه یک کشور، چه نقشی میتواند ایفا کند که در آنجا حضور پیدا میکند؟ حضور پیدا کردند. یکی از کارهایشان این است که با کشاندن گروهی از مردم به خیابانها و نافرمانی مدنی، آن دولتی را که مورد قبول آنها نیست و حاضر نیست به آنها باج بدهد، از کار بیندازند.

۳,۴,۴.یکی از کارها، فعال کردن گروه‌های تروریست است؛ این را در عراق، افغانستان، برخی از کشورهای عربی و در کشور خود ما انجام دادند

یکی از کارها فعال کردن گروه‌های ترور و راه انداختن گروه‌های تروریست است؛ این را در عراق انجام دادند، در افغانستان انجام دادند، در برخی از کشورهای عربی منطقه انجام دادند، در کشور خود ما هم انجام دادند؛ گروه‌های تروریست را راه بیندازند، آدمهای مشخص را [ترور کنند]. در کشور ما دانشمندان را زدند، متخصصین انرژی هسته‌ای را زدند و به شهادت رساندند، قبل از آن هم کسان دیگری، نخبگان سیاسی، نخبگان فرهنگی، شخصیت‌های علمی، شخصیت‌های روحانی را زدند؛ و اینها زیر دامن آمریکا رشد کردند، بعضی هم به‌خاطر این خدماتی که به آمریکا کردند مورد قبول و پذیرش آمریکایی‌ها قرار گرفتند. امروز منافقین در آغوش آمریکا قرار دارند؛ در جلسات گوناگون، در کمیسیون‌های کنگره‌ی آمریکا شرکت میکنند، همین عناصر منافق، همینهایی که در اینجا آحاد مردم را کشتند، بزرگان را

۶. کشور اوکراین.
۷. جان مک‌کین.

کشتند، علما را کشتند، دانشمندان را کشتند، سیاسیون را کشتند و انفجارات به‌وجود آوردند، امروز آنجا با آنها هستند. یکی از راه‌ها هم این است.

۳,۴,۵.یکی از راه‌ها ایجاد اختلاف در رأس حاکمیتها وحاکمیت دوگانه است؛ خیلی‌جاها موفق نمیشوند، اما متأسفانه بعضی‌جاها هم موفق میشوند

یکی از راه‌ها ایجاد اختلاف در رأس حاکمیتها است؛ یکی از کارهایی که اینها میکنند این است: آن دستگاهی، آن نظامی که با آنها همراه نیست، سعی میکنند در رأس آن اختلاف و شکاف به‌وجود بیاورند، حاکمیت دوگانه درست کنند؛ خیلی‌جاها موفق نمیشوند، بعضی‌جاها هم متأسفانه موفق میشوند؛ یکی از راه‌ها این است.

۳,۴,۶.یکی از راه‌ها این است که با تبلیغات خود دلها و افکار مردم را از مبانی اعتقادی و ایمانی‌شان منصرف کنند

یکی از راه‌ها این است که با تبلیغات خود دلهای مردم را، افکار مردم را از مبانی اعتقادی و ایمانی‌شان منصرف بکنند؛ و راه‌های گوناگونی از این قبیل.

۳,۴,۷.آمریکا در مورد ایران‌اسلامی، همه این کارها را انجام داده است و به فضل‌الهی در همه آنها شکست خورده است؛چون ملت بیدار و مؤمن بود

و رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا در مورد ایران عزیز ما، و ایران‌اسلامی ما، همه‌ی این کارها را انجام داده است و به فضل‌الهی در همه‌ی این کارها هم شکست خورده است. کودتای نظامی، حمایت از فتنه‌گران، کشاندن مردم به خیابانها، مقابله‌ی با انتخابات، ایجاد شکاف، از این کارها یا انجام دادند یا تلاش کردند که انجام بدهند، و بحمدالله در همه‌ی اینها ناموفق ماندند. چرا؟ چون ملت بیدار بود، چون ملت مؤمن بود، و اینجا است که من میروم سراغ آن چالش دوم که چالش درونی است.

۴. چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم ؛ این بزرگ‌ترین خطر است

برادران و خواهران عزیز! چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم و فراموش کنیم و آن را از دست بدهیم؛ این بزرگ‌ترین خطر است.

۴,۱. موارد دیگر اینکه در شناخت دشمن و دوست اشتباه کنیم،جبهه دشمن و دوست را مخلوط کنیم؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه کنیم

در شناخت دشمنمان اشتباه کنیم؛ در شناخت دوستمان اشتباه کنیم؛ جبهه‌ی دشمن و دوست را با هم مخلوط کنیم، نفهمیم دشمن کیست؛ دوست کیست؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه بکنیم، این هم خطر است.

۴,۱,۱.باید دشمن اصلی را پیدا کرد؛ والا اگر با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه شوید، هم قوای او تحلیل می رود و هم نتیجه کارْ

نتیجه مطلوبی نخواهد شد

برادران عزیز، خواهران عزیز، عموم ملت ایران توجه داشته باشند که گاهی یکی با شما دشمنی میکند، اما اگر دقت کنید دشمنیِ او دشمنیِ‌اصلی نیست، تابعی است از یک عامل دیگر، از یک کس دیگر؛ دشمن اصلی را پیدا کنید؛ والا [اگر] انسان با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه بشود، هم قوای او تحلیل میرود، هم نتیجه‌ی کارْ نتیجه‌ی مطلوبی نخواهد شد.

۴,۱,۲.امروز گروه‌های تکفیری علیه تشیع تلاش میکنند که کارهای زشتی است؛ اما دشمن اصلی سرویس‌های اطلاعاتی است که اختلاف می‌اندازند

امروز یک عده‌ای در بخشهای مختلف دنیای اسلام به‌نام گروه‌های تکفیری و وهابی و سَلَفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش میکنند، کارهای بدی میکنند، کارهای زشتی میکنند؛ اما اینها دشمنهای اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی میکنند، حماقت میکنند اما دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک میکند، آن کسی است که پول در اختیارشان میگذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه‌ی آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه‌دار میکند؛ دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل، و ملت مظلوم ایران می‌افشاند؛ اینها آن دست پنهانِ سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است. لذا ما مکرر گفته‌ایم این گروه‌های بی‌عقلی را که به نام سَلَفی‌گری، به نام تکفیر، به نام اسلام با نظام جمهوری اسلامی مقابله میکنند، دشمن اصلی نمیدانیم؛ ما شما را فریب‌خورده میدانیم؛ به اینها گفته‌ایم: لَئِن بَسَطتَ اِلَیَّ یَدَکَ لِتَقتُلَنی ما اَنا بِباسِطٍ یَدِیَ اِلَیکَ لِاَقتُلَکَ اِنّی اَخافُ اللهَ رَبَّ العَلَمین؛ [۸] تو اگر خطا میکنی، اشتباه میکنی، کمر به قتل برادر مسلمان خودت میبندی، ما تو [آدم] نادان و جاهل را کسی نمیدانیم که بایستی کمر به قتل او ببندیم؛ البته از خودمان دفاع میکنیم، هر کسی به ما حمله بکند، با مشت محکم ما مواجه خواهد شد، این طبیعی است؛ اما معتقدیم اینها دشمنان اصلی نیستند، فریب‌خورده هستند. دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است، آن دست نه‌چندان پنهانی است که از آستین سرویس‌های امنیتی بیرون می‌آید و گریبان مسلمانان را میگیرد و آنها را به جان هم می‌اندازد.

۴,۲.سرگرم شدن به اختلافات فرعی و سطحی و غفلت از مسائل وخطوط اصلی یکی از مصادیق چالشهای درونی اصلی است

چالشهای درونی ما اینها است: سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور؛ اختلافات فرعی و اختلافات سطحی، ما را سرگرم بکند، در مقابل هم قرار بدهد، تعارض به‌وجود بیاورد، ما را از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند؛ این یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض شد.

۴,۳.از دست دادن انسجام ملت، دچار شدن به تنبلی، کم‌کاری و یأس و ناامیدی و تصور ما نمیتوانیم و نتوانستیم، از دیگر چالش های درونی است

از دست دادن انسجام ملت از چالشهای ما است. دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به یأس و ناامیدی،

۸ . سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸۲.

تصور اینکه ما نمیتوانیم، تصور اینکه تا حالا نتوانستیم؛ نخیر، همان‌طور که امام فرمودند ما میتوانیم، [۹] باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی میتواند همه‌ی این گره‌ها را باز کند. اینها همه، آن چالشهای درونی ما است که باید با اینها مقابله کنیم.
همان‌طور که عرض کردیم جوانهای عزیز ما، نخبگان ما، فضلای ما باید بنشینند این مسائل را بررسی کنند؛ اینها سرفصل‌هایی است.

موخره

نام مبارک امام بزرگوارمان و یاد آن بزرگ‌مرد و نقشه‌ی آن معمار بزرگ میتواند ما را در همه‌ی این فصول یاری کند و به ما امید ببخشد و نشاط بدهد و روحیه بدهد؛ همچنان که تا امروز چنین بوده است و به توفیق الهی در آینده [هم] چنین خواهد بود. پروردگارا! برکات خودت را بر این ملت عزیز نازل بفرما. پروردگارا! جوانان عزیز ما را در راه بنای آرمانی نظام اسلامی کمک فرما. پروردگارا! ما را از کج‌روی‌ها و انحرافها محفوظ بدار. پروردگارا! دست ملت ایران را از دشمنانش قوی‌تر قرار بده؛ آنها را بر دشمنانشان پیروز فرما؛ قلب مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را نسبت به ما مهربان بفرما؛ دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بگردان؛ روح مطهر امام و شهدای عزیز را با پیغمبر محشور فرما.
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	شناخت نقشه اصلی امام برای گم نکردن راه و رسیدن به اهداف انقلاب	مردم و مسئولان	اگر نقشه [امام] را ندانستیم، زاویه پیدا میکنیم؛ وقتی زاویه پیدا شد، روزبه‌روز هرچه پیش برویم، از راه اصلی و صراط مستقیم دور میشویم؛ وقتی از صراط مستقیم دور شدیم، از هدفها دور میشویم، به هدفها نمیرسیم؛ برای اینکه به هدف برسیم، باید راه را گم نکنیم؛ برای اینکه راه را گم نکنیم، باید نقشه‌ی اصلی و اساسی، جلوی چشم ما باشد، آن را بشناسیم و بدانیم.
۲	دوری از اعمال قهر و غلبه نسبت به قدرت ناشی از انتخاب مردم	مردم و خواص	آن قدرتی که از انتخاب مردم به‌وجود آمد، محترم است؛ در مقابل آن، کسی نبایستی سینه سپر بکند، در مقابل او کسی نباید قهر و غلبه‌ای به کار ببرد که اگر یک چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است؛ این آن نسخه‌ی جدیدی است که امام بزرگوار ما به دنیا عرضه کرد و به ادبیات سیاسی عالم این فصل مهم را افزود.
۳	حرکت در خط روشن و همت کردن به منظور پر کردن بخش های خالی جدول اجتماعی تاریخی نقشه انقلاب	مردم و مسئولان	امام موفق شد؛ امام در آن کاری که میخواست انجام بدهد، به توفیق کامل دست پیداکرد، [اما] آیا این کار بزرگ ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا بخشهای خالی این جدول – که به‌طور طبیعی بخشهای خالی‌ای در این جدولهای اجتماعی و تاریخی قرار دارند – پُر خواهد شد؟ این بستگی دارد به اینکه من و شما چقدر همت کنیم؛ ما چقدر آگاهی نشان بدهیم؛ ما چقدر آن خط روشن را مراعات کنیم و در آن خط روشن حرکت بکنیم.
٤	شنخت موانع و چالش های پیش روی راه انقلاب	مردم و مسئولان	این راه [امام و انقلاب]، مثل همه‌ی راه‌های مهم که به سمت هدفهای بزرگ کشیده شده است، چالشهایی هم دارد، موانعی هم دارد؛ این موانع را باید بشناسیم تا بتوانیم از آنها عبور کنیم. اگر مانع را نشناختیم، عبور از مانع یا دشوار خواهد شد، یا حتی غیر ممکن خواهد شد.

۹ . از جمله، صحیفه‌ی امام، ج ۹۱، ص ۷۲۳.

۵	انجام مطالعه و بحث های کاربردی، عملیاتی و ناظر به واقعیت بر روی سرفصل های چالش بیرونی و درونی نظام	جوانان ، فرزانگان و زیدگان فکری	باید جوانان ما، فرزانگان ما، زبدگان فکری ما، روی هرکدام از این سرفصل‌ها و بخشها بنشینند فکر کنند، کار کنند، مطالعه کنند؛ نه‌فقط بحثهای ذهنیِ شبه‌روشنفکری، [بلکه] بحثهای کاربردی، بحثهای عملیاتی، بحثهای ناظر به واقعیت. اینهایی که ما عرض میکنیم سرفصل‌هایی است برای کارهای فکری که ان‌شاءالله به‌وسیله‌ی جوانان ما – که از ما خیلی بهترند، خیلی آماده‌ترند – دنبال خواهد شد. من دو چالش را عرض میکنم: یک چالش بیرونی، یک چالش درونی.
٦	شناخت نقشه کار استکبار جهانی و آمریکا بر علیه ایران اسلامی	مردم و مسئولان	چالش بیرونی ما مزاحمتهای استکبار جهانی است؛ بی‌رودربایستی حرف بزنیم، مزاحمتهای آمریکا است؛ سنگ‌اندازی میکنند. درست است که شاید در تحلیل‌های بعضی از متفکران سیاسیِ خودشان هم این هست که میگویند فایده‌ای ندارد، نمیشود با این حرکت عظیم مقابله کرد؛ لکن سنگ‌اندازی میکنند. نقشه‌ی کار آنها را باید دانست.
۷	فراموش نکردن روحیه و جهت نهضت امام	مردم	برادران و خواهران عزیز! چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم و فراموش کنیم و آن را از دست بدهیم؛ این بزرگ‌ترین خطر است.
۸	عدم خلط بین دوست و دشمن		در شناخت دشمنمان اشتباه کنیم؛ در شناخت دوستمان اشتباه کنیم؛ جبهه‌ی دشمن و دوست را با هم مخلوط کنیم، نفهمیم دشمن کیست؛ دوست کیست؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه بکنیم، این هم خطر است.

۹	توجه به دشمن اصلی و دوری از درگیری مستقیم با دشمن فرعی	مردم	برادران عزیز، خواهران عزیز، عموم ملت ایران توجه داشته باشند که گاهی یکی با شما دشمنی میکند، اما اگر دقت کنید دشمنیِ او دشمنیِ‌اصلی نیست، تابعی است از یک عامل دیگر، از یک کس دیگر؛ دشمن اصلی را پیدا کنید؛ والا [اگر] انسان با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه بشود، هم قوای او تحلیل میرود، هم نتیجه‌ی کارْ نتیجه‌ی مطلوبی نخواهد شد.
۱۰	سرگرم نشدن به اختلافات فرعی و سطحی و غافل نشدن از مسائل وخطوط اصلی	مردم	چالشهای درونی ما اینها است: سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور؛ اختلافات فرعی و اختلافات سطحی، ما را سرگرم بکند، در مقابل هم قرار بدهد، تعارض به‌وجود بیاورد، ما را از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند؛ این یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض شد.
۱۱	از دست ندادن انسجام	مردم	از دست دادن انسجام ملت از چالشهای ما است.
۱۲	مقابله با چالش هایی چون تنبلی، کم کاری، یاس و ناامیدی،ما نتوانستیم		دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به یأس و ناامیدی، تصور اینکه ما نمیتوانیم، تصور اینکه تا حالا نتوانستیم؛ نخیر، همان‌طور که امام فرمودند ما میتوانیم، باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی میتواند همه‌ی این گره‌ها را باز کند. اینها همه، آن چالشهای درونی ما است که باید با اینها مقابله کنیم.

بیانات در بازدید از نمایشگاه کتاب دارالحدیث و دیدار با پژوهشگران آن ۱۳۹۳/۲/۱۵

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

مقدمه

ایّام سالگرد ولادت مبارک پرفیض حضرت بقیّةالله (ارواحنافداه) و تبرّک ایّام ماه مبارک شعبان به این ولادت بزرگ و مبارک را تبریک عرض میکنیم. ان‌شاءالله خداوند متعال، شما را، ما را جزو پیروان این بزرگوار قرار بدهد، جزو شیعیان این بزرگوار به‌حساب بیاورد.

۱. دانشنامه مهدویّت کتاب برجسته و جالب و دارای خصوصیات مهمی است و تولید آن کار بسیار مهمّ و بزرگی است

و تشکّر میکنیم از جناب آقای ری‌شهری و همکاران عزیز و محترمشان به‌خاطر این هدیه‌ی ارزشمندی که به‌مناسبت این عید به جامعه‌ی اسلامی و جامعه‌ی علمی تحویل دادند؛ یعنی همین دانشنامه‌ی مهدویّت،[1]با این خصوصیّاتی که ذکر کردند، که خصوصیّات مهمّی است. به نظرم دیروز یا پریروز کتاب را آوردند و من فرصت کردم توّرق مختصری بکنم؛ به نظرم کتاب برجسته و جالبی آمد. حالا ان‌شاءالله وقت میگذاریم و کتاب را اوّل تا آخر، ان‌شاءالله مطالعه خواهم کرد. ولی کار، کار بسیار مهمّی است؛ کار بزرگی است.

۱,۱.مهم این نیست که این کتاب کامل و جامع است یا نقص دارد ؛ مهم این است که نیاز به آن احساس، و همّت برای تولید آن برانگیخته شد

عمده این است که ذهن متوجّه یک نیاز و یک خلأ بشود و همّت برای پر کردن این خلأ و برآوردن این نیاز برانگیخته شود. این کارها شده – طبعاً هیچ کاری هم از ما انسانها بدون نقص و قصور نیست – مهم این نیست که آیا این کتاب کامل است، یا جامع است، یا نقصی دارد یا ندارد؛ مهم این است که این کتاب هست؛ نیاز به آن احساس شد و همّت برای تولید آن برانگیخته شد و بحمدالله متولّد شد و به عرصه‌ی وجود آمد. من صمیمانه از ایشان و همکاران محترمشان تشکّر میکنم. یک جمله در باب این ایّام مبارک و وجود عظیم و عزیز حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) عرض بکنیم؛ یک جمله هم در باب مجمع شما و پژوهشگاه شما و دارالحدیث بعداً عرض میکنم.

۲. یکی از بخشهای جهان‌بینی ادیان الهی مسئله‌ی نهایت سِیر کاروان بشر در این دنیا و مسئله مهدویت است

۱ . در جریان بازدید از نمایشگاه تولیدات علمی و پژوهشی مؤسّسه‌ی دارالحدیث، و در آستانه‌ی ولادت حضرت ولیّ‌عصر، از «دانشنامه‌ی امام مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف)» رونمایی شد.

در مورد مسئله‌ی امام زمان (سلام الله علیه) شماها خوب کار کردید و تلاش کردید و احاطه‌ی به همه‌ی جوانب قضیّه دارید؛ آنچه مهم است این است که اعتقاد به امام زمان یک بخشی از جهان‌بینیِ ادیان است؛ یعنی ادیان الهی همچنان‌که در جهان‌بینیِ عمومی خودشان نسبت به عالَم، آدم، منشأ آفرینش و منتهای سِیر حیات بشر – یعنی درباره‌ی مبدأ و معاد – نظر میدهند، یکی از بخشهای این جهان‌بینی – این مجموعه‌ی عظیمی که زیربنای همه‌ی افکار و تأمّلات و احکام و قوانین و مقرّرات ادیان است – عبارت است از مسئله‌ی نهایت سِیر کاروان بشر در این دنیا. مسئله‌ی آن دنیا و آن نشئه، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله‌ی آخرت است. یک مسئله این است که بشریّت دارد به کجا میرود. اگر ما جامعه‌ی بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را میرود، [این] سؤال مطرح است که این کاروان به کجا میرود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ منتهاالیه این سِیر کجا است؟ این یک سؤال جدّی است؛ این باید در هر جهان‌بینی‌ای پاسخ داده بشود. ادیان به این پاسخ داده‌اند. پاسخهای نحله‌های فکری غیر دینی در این زمینه یکسان نیست، لکن پاسخ ادیان به این سؤال، تقریباً یکسان است؛ پاسخ مشخّصی است.

۲,۱.همه ادیان الهی معتقدند این کاروان در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب، دلگشا و دلنشین خواهد رسید که خصوصیّت عمده آن«عدالت» است

تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رونویسی از ادیان الهی‌اند، می‌شناسیم – ولو خودشان هم الهی نباشند، امّا پیدا است اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته‌اند – همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیّت عمده‌ی این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته‌ی عمومی بشریّت از اوّل تا امروز و تا آخر است.

۲,۱,۱.آنها که در مبانی و تفکّرات اصولی معتقد به تنوّع و تحوّل هستند، نمیتوانند انکار کنند که اساسی ترین خواسته بشر از روز اوّل تا امروز عدالت است

اینهایی که سعی میکنند در مبانی و تفکّرات اصولی، معتقد به تنوّع و تغییر و تحوّل و مانند اینها بشوند، این‌را نمیتوانند انکار کنند که خواسته‌ی بشریّت از روز اوّل تا امروز چند خواسته است، که از جمله‌ی اساسی‌ترین آنها عدالت است؛ بشر دنبال عدالت [است]؛ هیچ‌وقت از این خواسته منصرف نشده است و در نهایت، این خواسته برآورده میشود، که در آثار ما [آمده] : «یَملأُ الله بِهِ الاَرضَ قِسطاً وَ عَدلاً کَما مُلِئَت ظُلماً و جَورا»[2]– در اغلب متون «کَما مُلِئَت» [است]، در بعضی هم «بَعدَ ما مُلِئَت» – این پاسخ همه‌ی ادیان است. در واقع هر فردی از آحاد بشر میداند که این سِیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این‌جور باید بگوییم که یک مسافری یا یک کاروانی از پیچ‌وخم‌های دشوار، از معبرهای سخت، از کوهستانها، از وادی‌ها، از درّه‌ها، از لجن‌زارها، از خارزارها، همین‌طور دارد عبور میکند، راه را میپیماید، برای اینکه خودش را به یک نقطه‌ای برساند؛ این نقطه کجا است؟ این نقطه عبارت است از یک اتوبان، یک جادّه‌ی مهم، یک جادّه‌ی باز، یک راه هموار.

۲,۲.همه‌آنچه در تاریخ تا امروز مشاهده میکنیم، حرکت بشر در کوره‌راه‌ها و خارستانها است تا به اتوبان برسد؛ که همان دورانِ

۲ . کتاب سلیم‌بن‌قیس‌هلالی، ج ۲، ص ۷۶۵.

مهدویّت و ظهور است

همه‌ی آنچه در تاریخ بشر تا امروز مشاهده میکنیم، حرکت در همان کوره‌راه‌ها و در همان فرازونشیب‌ها و در همان خارستانها و لجن‌زارها و مانند اینها بوده است؛ بشریّت دارد همین‌طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دورانِ مهدویّت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است.

۳.این‌گونه نیست که در دوران ظهور یک حرکت دفعی انجام بگیرد و تمام شود؛ نه، یک مسیر است؛ بشریّت در راهی قرار میگیرد که صراط مستقیم است

این‌جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریّت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند.

۳.در دوران ظهور،«بشریّت» به مقصد آفرینش میرسد، نه افراد بشر؛ البته طبیعت بشر تغییر نمی کند و درگیری درونی خیر و شر باقی خواهد ماند

«بشریّت» را میرساند، نه آحادی از بشریّت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را میرساند. البتّه این به معنای این نیست که در آن‌وقت طبیعت بشر تغییر پیدا میکند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه‌ی درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان احکامی دارند، کششهایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را میکنند، عقل هم کار خود را میکند؛ این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت.

۳,۱.بشریّت یکپارچه به فرشته تبدیل نمی شود و خوب و بد وجود دارد؛ منتها راه ، مساعدِ خوب شدن است؛ که همان معنای حقیقی «عدل» است

این‌جور نیست که در آن دوران، بشریّت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته؛ نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جادّه، جادّه‌ای است که مساعدِ خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیّت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی «عدل» است. و این قطعی است. و توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤیّد این معنا برای ذهن انسان شکّاک است که آنچه وعده داده شده، تحقّق پیدا خواهد کرد.

۴.آیه ۷ سوره قصص ابتدا به وعده نزدیکِ برگرداندن موسی به مادر اشاره دارد؛ تا از تحقق وعده بزرگ تر یعنی فرستادن منجی اطمینان دهد

این آیاتی که تلاوت کردند، به‌نظر من آیات جالب و مهمّی است. یک نکته‌ای در این آیات – آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد – وجود دارد؛ وَ اَوحَینا اِلی اُمِ موسی اَن اَرضِعیهِ فَاِذا خِفتِ عَلَیهِ فَاَلقیهِ فِی الیَمِّ ... اِنّا رآدّوهُ اِلَیکِ وَ جاعِلوهُ مِنَ

المُرسَلین؛[۳] [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده‌ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده‌ی «جاعِلوهُ مِنَ المُرسَلین» است؛ یعنی آن وعده‌ی عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خدا است و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده‌ی دوّم را هم داد – جاعِلوهُ مِنَ المُرسَلین – یعنی این را ما از طرف خودمان میفرستیم، و او را همان مُرسَلی قرار میدهیم که بنا است آن وعده‌ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده‌ی نقد و نزدیک بود و آن، «اِنّا رآدّوهُ اِلَیک» بود. در آیات بعدی – که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسّفانه نخواند – میفرماید: فَرَدَدنهُ اِلی اُمِّهِ کَی تَقَرَّ عَینُها وَ لا تَحزَنَ وَ لِتَعلَمَ اَنَّ وَعدَ الله حَقّ؛[۴] اینکه ما بچّه را به مادر برگرداندیم، خب بله، «تَقَرَّ عَینُها» دارد، «وَ لا تَحزَن» دارد – دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد – امّا اثر دیگرِ این برگرداندن، این بود که «وَ لِتَعلَمَ اَنَّ وَعدَ الله حَقّ»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم – و گفتیم منجی را میفرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بنا است جامعه‌ی بنی‌اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند – وعده‌ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خاطرجمع بشود. یعنی یک وعده‌ی کوچک از سوی پروردگار تحقّق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبّری از تحقّق این وعده‌ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده‌ی بزرگ تحقّق پیدا خواهد کرد.

۴,۱. موفّقیّتهایی که در طول تاریخ از طریق دین حاصل شده؛ مثل جمهوری اسلامی، وعده‌های کوچک است ؛ تا بدانیم آن کار بزرگ هم انجام خواهد شد

آنچه از موفّقیّتها در طول تاریخ برای بشریّت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکّل کنید، در جایی که گمان آن را نمیبرید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتّفاق افتاد: ملّت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادنِ جان دریغ نکرد و اتّفاقی افتاد که هیچ‌کس تصوّر آن را نمیکرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه‌ی بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله‌ی با آن رژیم بشدّت حمایت‌شونده‌ی از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به‌وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصوّری میکرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این‌جوری میشود، مگر از طُرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد، امّا این اتّفاق افتاد. بدانیم آن وعده‌ی اصلی، آن کار بزرگ هم اتّفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتّفاق خواهد افتاد.

۵.حقیقتاً منتظر ظهور بودن ، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است؛ خود این انتظار، فرج ، امیدبخش و نیرو بخش است

باید منتظر بود. این نگاه ادیان به پایانِ راهِ کاروان بشری، نگاه بسیار امیدبخشی است؛ حقیقتاً روحیّه‌ی انتظار و روحیّه‌ی ارتباط با ولیّ‌عصر (ارواحنا فداه) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی است. منتظر فرج

۳ . سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۷

٤ . همان، بخشی از آیه‌ی ۳۱.

هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه‌ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله‌ی امام زمان (سلام الله علیه) این است و امیدواریم که خدای متعال ما را به معنای واقعی کلمه از منتظران قرار بدهد و چشم ما را به تحقّق این وعده‌ی الهی روشن کند.

۶.حقیقتاً باید از مجموعه کارهایی که شما انجام دادید، تشکّر کنم؛مجموعه شما آزمون خوبی در شناخت نقاط خلاء و پر کردن آن گذرانده است

در مورد مجموعه‌ی کارهایی که شما برادران و خواهران عزیز تحت مدیریّت جناب آقای ری‌شهری در این سالها انجام دادید، من حقیقتاً بایستی تشکّر بکنم. کارهای بسیار خوبی انجام گرفته، کارهای نویی انجام گرفته. مهم این است که ذهنها فعّال بشود برای شناختن نقاط خلأ؛ و خود این، هنر بزرگی است؛ مسئله‌یابی، هنر مهمّی است: انسان نگاه کند، موارد خلأ را پیدا کند. این مجموعه‌ی شما خوشبختانه آزمون خوبی را در این زمینه گذرانده است؛ موارد خلأ را پیداکرده و بر این همّت گماشته است که اینها را پر بکند.

۷.مسئله قرآن و حدیث بسیار مهمّ است؛در موضوع مهدویت مسائل بسیاری وجود دارد که بهترین مرجع عبارت است از احادیث ائمه علیهم‌السّلام

مسئله‌ی قرآن و حدیث بسیار مسئله‌ی مهمّی است. در همین موضوع مهدویّت و قضایای مربوط به امام زمان – مسئله‌ی انتظار، مسئله‌ی طول عمر، مسئله‌ی دوران حکومت، مسئله‌ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسائل گوناگونی که وجود دارد – بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمّه (علیهم‌السّلام) نقل شده، که جای تردیدی را باقی نمیگذارد و این مهم‌ترین مطلب است.

۷,۱.شواهد عقلی به‌عنوان مؤیّد می توانند به کار روند؛ امّا آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع حدیثی و قرآنی است؛ البتّه باید تنقیح شوند

همین‌طور که آقای ری‌شهری اشاره کردند، بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به‌عنوان مؤیّد میتوانند به کار بروند، [امّا] آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البتّه باید تنقیح[۵] بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.

موخره

از خداوند متعال مسئلت میکنیم که شما را موفّق بدارد. و مجدّداً تشکّر میکنیم از اینکه این هدیه‌ی باارزش را در ایّام این عید مبارک به جامعه‌ی اسلامی تحویل دادید و جامعه‌ی فکری و معرفتی کشور ان‌شاءالله بهره‌ی کامل را از این عیدی‌ای که شما دادید خواهد برد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۵ . تصحیح.

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	اهمیت مساله قرآن و حدیث در رجوع مسائل و موضوعات؛همچون مسائل مهدویت	علما و نخبگان	مسئله‌ی قرآن و حدیث بسیار مسئله‌ی مهمّی است. در همین موضوع مهدویّت و قضایای مربوط به امام زمان – مسئله‌ی انتظار، مسئله‌ی طول عمر، مسئله‌ی دوران حکومت، مسئله‌ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسائل گوناگونی که وجود دارد – بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمّه (علیهم‌السّلام) نقل شده، که جای تردیدی را باقی نمیگذارد و این مهم‌ترین مطلب است.
۲	لزوم تکیه به حدیث و قرآن به دلیل تعیین کننده و قاطع بودن؛ در مقابل موید بودن شواهد عقلی	علما و نخبگان	همین‌طور که آقای ری‌شهری اشاره کردند، بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به‌عنوان مؤیّد میتوانند به کار بروند، [امّا] آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البتّه باید تنقیح بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.
۳	عدم اعتماد به حرف های سست در میان منابع روایی و قرآنی و لزوم تنقیح آنها	علما و نخبگان	آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البتّه باید تنقیح بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد